

فرزندان



فرزندان،
سپیده‌های خراوندی
و شمع دل‌خواه‌هایت و زندگی

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فرصت طلایی

فرزندان، هدیه‌های خداوندی و شمیم دل‌نواز حیات و زندگی

نویسندگان: حجج اسلام سامان هادی پور، مسعود تاتلاری، حبیب فتحی، علیرضا سمنبری

ویراستار: علی بیاتاتی

مدیر هنری و طراحی جلد: محمدرضا چیت ساز

بهار ۱۴۰۱

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.



تهران، خیابان کریمخان زند، بعد از تقاطع حافظ،

به سمت میدان ولیعصر، خیابان شهید پرویز گلابی، شماره

۱۲، ساختمان بنیاد علوی

www.alavi-bonyad.com

فهرست

- ۱ / در آرزوی فرزند (ناباروری) ۹
- ۲ / فرزند تنهای من (آسیب‌های تک فرزندی) ۲۱
- ۳ / خانواده دوست‌دار فرزند (فرزندپروری) ۳۱
- ۴ / پدر، مادر حس خوب زندگی (والدین و صمیمیت زندگی) ۴۷
- ۵ / زندگی سالمندی من (سالخوردگی جمعیت) ۵۹
- ۶ / می‌خواهم زنده بمانم (سقط و قتل جنین) ۶۹
- ۷ / حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (قانون و فرزندآوری) ۸۳
-

پیشگفتار

هفته جمعیت، زمانی برای یادآوری خطر بزرگی است که در کمین کشور عزیزمان ایران و آینده آن است و فرصتی برای آگاهی بخشی و هشدار دادن نخبگان با بصیرت به فرهیختگان و عموم مردم است که پنجره جمعیتی را مغتنم شمرده و نگذارند میهن اسلامی ما به نقطه غیر قابل بازگشت برسد، نقطه ای که عده ای در «آرزوی فرزند» خواهند بود و عده ای با آسیب های «تک فرزندی» دست و پنجه نرم می کنند، جامعه با «سالخورگی جمعیت» مواجه شده و بر میلونها «سقط و قتل جنین» که در سایه بر برنامه گی و غفلت مسوولین و نا آگاهی و بی رحمی والدینشان از حق زندگی و بالندگی محروم شدند، غصه می خورد، قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» با فرهنگ سازی و جهاد تبیین است که میتواند پیشگیری کننده از این بحران باشد و زمینه ساز «والدین و صمیمیت زندگی» باشد.

این کتاب، در قالب مجموعه فیش سخنرانی روشمند به دنبال تسهیل دسترسی فعالان فرهنگی و سخنرانان مذهبی به محتوایی جذاب و تاثیر گذار در هفت عنوان محوری هفته جمعیت است که ضرورت دارد نه تنها در این «فرصت طلایی» بلکه در همه سال برای مردم مومن و مسوولیت پذیر ایران اسلامی بیان شود تا از آینده ای تلخ و غیر قابل جبران جلوگیری نماید ان شاء الله در نوشتار حاضر که به همت موسسه اسرار بیان و بنیاد علوی و با زحمات پژوهشی حجج اسلام مسعود تاتلاری، حبیب فتحی و علیرضا سمینری تالیف گردیده است، سبکی نوین در فیش منبر به کار گرفته شده است و با هدف گذاری، مهندسی تاثیر گذاری و با استفاده از چهار بخش انگیزه سازی، اقناع اندیشه،

پرورش احساس و رفتار سازی تلاش شده است محتواهایی متن با قالبی اثر گذار در اختیار مبلغین و سخنرانان قرار گیرد تا بتوانند وظیفه انقلابی و بصیرتی خود را در موضوع جمعیت ادا کنند و به ندای هل من ناصر مقام عظمای ولایت لبیک گویند. از همه خوانندگان عزیز و گرامی هم صمیمانه تقاضا دارم نظرات و پیشنهادات خود را در جهت ارتقاء و تکمیل این محصول برای ما ارسال کنند تا بتوانیم در میدان خدمت، هر روز بهتر از دیروز باشیم، ان شاء الله .

سامان هادی پور

مدیر موسسه اسرار بیان

۱۴۰۱/۲/۲۰

۱



دږآزوی فزږن

نډاږوی



● خطبه:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
بَارِءِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، بَاعِثِ الْأَنْبِيَاءَ وَالْمُرْسَلِينَ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا
وَ نَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ وَاللَّعْنُ الدَائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ
الآن إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»

● انگیزه‌سازی: حسرتی به نام مادر شدن

حس زیبای مادری که به عنایت خدا خیلی راحت روزانه نصیب عده زیادی از خانمها می شود ، آرزویی بزرگ برای عده ای دیگر است که در حسرت مادر شدن گاهی سالها انتظار می کشند و در خانه خدا با همه وجود دعا می کنند تا از فضلش دامنشان را سبز و نعمت بزرگ مادر بودن و فرزند داشتن را به آنها هدیه کند و البته این اتفاق مخصوص کشور ما نیست و در همه دنیا آزمون زندگی برخی از انسانهاست^۱.

میانگین نرخ ناباروری در جهان ۱۵ درصد است؛ عددی که در ایران به ۲۲ درصد هم می‌رسد؛ آمارها نشان می‌دهند حدود چهارمیلیون زوج نابارور

۱ . خبرگزاری تسنیم ، ۵ شهریور ۱۴۰۰

در ایران وجود دارد که سهم ناباروری در آقایان و خانم‌ها تقریباً برابر است. به عبارتی ناباروری چیزی در حدود یک دوازدهم جمعیت کشورمان را مستقیم یا غیرمستقیم درگیر کرده است.

طی ۲۵ سال، روند ناباروری زوج‌های ایرانی از پنج درصد در اوایل دهه ۷۰ با سیری صعودی در اواسط دهه ۹۰ به بیش از ۲۰ درصد افزایش پیدا کرده است! ولی حدود ۶۰ درصد زوج‌های نابارور کنونی، نابارور ثانویه هستند. نابارور ثانویه شامل زوج‌هایی می‌شود که بارور بوده‌اند، ولی به دلایلی مانند سبک زندگی، تأخیر در فرزندآوری، تغذیه و قدرت باروری خود را از دست داده‌اند! این آمار نشان می‌دهد که برخلاف باور عمومی زوج‌های جوان، فرصت فرزندآوری همیشگی نیست و ریسک جدی ناباروری در کمین زوج‌هایی است که فرزندآوری را به تأخیر می‌اندازند! به عبارت دیگر با سونامی ناباروری ثانویه در ایران روبه‌رو هستیم.^۱

● اقلان اندیشه: پیشرفت‌های علمی درمان ناباروری در ایران

درمان زوج‌های نابارور، از چهار دهه قبل در جهان آغاز شده است. در دهه ۶۰ زوج‌های نابارور پس از بیماران قلبی دومین گروهی بودند که برای درمان از کشور خارج می‌شدند. به فاصله بسیار کمی با جهان، در سال ۶۹ نخستین نوزاد حاصل از درمان ناباروری به کمک متخصصان کشورمان در یزد متولد شد. خوشبختانه در سایه پیشرفت‌های علمی و تخصصی پزشکان و متخصصان ایرانی، در حال حاضر بسیاری از زوج‌های نابارور می‌توانند در داخل کشور صاحب فرزند شوند.

همچنین در سال‌های اخیر ایران در زمینه درمان ناباروری به پیشرفت‌های گسترده‌ای دست یافته است؛ از این‌رو علاوه بر اینکه زوج‌های ایرانی برای درمان ناباروری دیگر به خارج سفر نمی‌کنند، بسیاری از زوج‌های نابارور کشورهای مختلف جهان نیز، ایران را به عنوان مقصد درمانی ناباروری خود انتخاب می‌کنند.

۱. <https://www.khabaronline.ir/news/1548923>

2504221/26/02/<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400>

هم‌اکنون جدیدترین، بهترین و به‌روزترین روش‌های درمانی دنیا در مراکز درمان ناباروری کشور که به ۷۵ مرکز رسیده، درحال اجراست. براساس نتایج تحقیقات جهانی، پژوهشگاه رویان در جایگاه نهم در بین ۱۰ مؤسسه برتر تحقیقاتی جهان جای گرفته است.

به‌علت گران بودن تجهیزات این درمان‌ها، متخصصان کشورمان در این سال‌ها موفق به تولید و بومی‌سازی بسیاری از تجهیزات پیشرفته درمان ناباروری شده‌اند که موجب شده است، ایران به جمع شش کشور دارای دانش ساخت محصولات ناباروری بپیوندد.^۱

درمان ناباروری به روش IVF از پرکاربردترین شیوه‌های درمانی در این حوزه است که پیشرفت‌های پزشکی ایران در این زمینه افزایش قابل توجهی داشته است.

لقاح مصنوعی برای اولین بار در دنیا در سال ۱۹۷۸ در انگلستان توسط دکتر رابرت ادواردز انجام شد که جایزه نوبل فیزیولوژی و پزشکی را در سال ۲۰۱۰ برای وی به ارمغان آورد. کودک حاصل از این لقاح در ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۸ به دنیا آمد و پس از آن تاکنون حدود پنج میلیون کودک به این روش در دنیا متولد شده‌اند.

● درمان ناباروری توسط IVF

در دو دهه اخیر درمان ناباروری با روش IVF در کشور ما پیشرفت قابل توجهی داشته است. زوجین برای درمان ناباروری ابتدا باید کلیه آزمایش‌های مربوطه را انجام دهند تا دلیل اصلی ناباروری در آنها مشخص شود. سپس با توجه به نیاز هر شخص و روش‌های موجود، شیوه درمانی معینی برای آنها در نظر گرفته می‌شود. روش لقاح آزمایشگاهی یا IVF می‌تواند یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها برای زوج‌هایی باشد که با مشکل ناباروری مواجه هستند؛ چراکه درمان ناباروری با این روش، درصد موفقیت بالایی دارد.

دکتر ابوطالب صارمی، فوق تخصص باروری و IVF از دانشگاه وین و مؤسس

۱. خبرگزاری صدا و سیما کد خبر: ۳۳۵۱۹۴۹.

بیمارستان فوق تخصصی زنان و زایمان و نازایی، مرکز باروری و ناباروری و مرکز تحقیقات سلولی صام، در اوایل دهه ۱۳۶۰ پیگیر راه‌اندازی روش درمان IVF ایران شد و در سال ۱۳۶۳ نیز مجوز شرعی آن را از امام خمینی ره دریافت کرد. وی در سال ۱۳۶۷ خورشیدی، برای اولین بار در کشور، نخستین بچه را از طریق IVF به دنیا آورد که موفقیت آن را در کنگره ناباروری علوم پزشکی ایران در سال ۱۳۶۸ اعلام کرد. پس از آن در سال ۱۳۷۰ نخستین دوقلوی‌های آزمایشگاهی از یک مادر ۲۷ ساله آذربایجانی به دنیا آمدند.

با پیشرفت متخصصان این حوزه و راه‌اندازی مراکز مختلف در کشور، امروزه بسیاری از مردم کشورهای مختلف از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس، آسیای میانه، عراق، پاکستان و دیگر کشورها، ایران را به عنوان مقصد IVF خود انتخاب می‌کنند؛ چراکه کلینیک‌های IVF ایران علاوه بر پزشکان ماهر، از جدیدترین فناوری‌ها نیز برخوردار هستند. از همه مهمتر اینکه هزینه IVF در ایران در مقایسه با سایر کشورها بسیار پایین‌تر و مقرون به صرفه‌تر است. ایران بیش از ۷۰ مرکز تلقیح مصنوعی دارد که مراکز IVF تهران، یزد و شیراز در صدر این مراکز قرار دارند.

● پرورش احساس: داستان‌هایی از آزمون فرزندان نشدن انبیای الهی

علی‌رغم همه پیشرفت‌های علمی در درمان ناباروری و فرزندان شدن بسیاری از خانواده‌ها با استفاده از این امکانات، اما همچنان جمعیت میلیونی از ناباروری‌ها غیر قابل درمان باقی مانده و به ظاهر اراده خداوند متعال بر این قرار گرفته است که فرزندان نشدن همچون همیشه تاریخ بشر، به عنوان یک ابتلا و آزمون بندگی برای انسان‌ها باقی بماند. البته نقل داستان‌هایی از انبیا در قرآن که مورد این آزمایش قرار گرفته‌اند گویای این مطلب است که نباید از رحمت و فضل خداوند لحظه‌ای ناامید شد؛ حتی در شرایطی که به صورت عادی فرزندان شدن امکان‌ناپذیر به نظر می‌رسد، ولی به خواست خداوند چشمان پدر و مادر به تولد فرزندی روشن می‌شود.

داستان فرزندان شدن حضرت زکریا بعد از سال‌ها انتظار از جمله این داستان‌های امیدآفرین قرآن است. نقل شده است:

سال‌ها بود که حضرت زکریا و همسرش اشیاع عقیق بودند و دوران پیری را سپری می‌کردند. حضرت زکریا بارها از خداوند طلب فرزند کرده بود تا بعد از خود وارثی داشته باشد. روزی بر حضرت مریم وارد شد و مشاهده کرد که مریم در حال عبادت است و ملائکه الهی در فصل زمستان برای ایشان میوه‌های تابستانی آورده‌اند. دیدن این صحنه برای حضرت زکریا یادآور قدرت خداوند متعال در انجام هر امر نشدنی بود؛ از این‌رو به این نتیجه رسید که او هم می‌تواند در پیری فرزندان شود. برای همین دست به آسمان بلند کرد و با تمام وجود از خدا درخواست فرزند نمود.^۱ طولی نکشید که جبرئیل مژده تولد یحیی را به او داد. حضرت زکریا با شنیدن این خبر از شادی بیهوش شد. باور نمی‌کرد که در این سن فرزندان شود؛ از خداوند تقاضای نشانه کرد؛ خداوند به او وحی کرد که نشانه‌اش این است که تا سه روز زبانت از کار خواهد افتاد و تو برای این نعمت خدا را شکر کن. او بعد از این متوجه شد که زبانش از کار افتاده و تنها در زمان عبادت باز می‌شود. حضرت زکریا در این سه روز با اشاره لب‌ها و تکان دادن سر با مردم سخن می‌گفت.

طولی نکشید که همسرش احساس بارداری کرد و پس از شش ماه یحیی متولد شد. ملائکه او را به آسمان بردند و طبق فرمایش امام باقر (ع) نخستین غذای بهشتی را به او خوراندند و سپس به آغوش پدرش برگرداندند. «یا زکریا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا». ای زکریا! ما تو را به پسری که نامش یحیی است، مژده می‌دهیم، [و] پیش از این همنامی برای او قرار نداده‌ایم».^۲

نمونه دیگر از این داستان‌های امیدآفرین قرآن برای زوج‌های ناباور، داستان حضرت ابراهیم (ع) است که خداوند متعال درباره ایشان در قرآن می‌فرماید:

۱. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۹۷.

۲. مریم: ۷.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ». حمد و سپاس خداوندی را که در پیری اسماعیل و اسحاق را به من بخشید؛ قطعاً پروردگار من شنونده (و اجابت کننده) دعاست.^۱

از ابن عباس روایت شده، حضرت ابراهیم در سن نودونه سالگی بود که خداوند حضرت اسماعیل را به او عطا کرد؛ همچنین در سن صد و دوازده سالگی اسحاق را به او عطا فرمود. از سعید بن جبیر نقل شده که حضرت ابراهیم تا ۱۱۷ سالگی فرزندی نداشت، سپس دارای فرزندی به نام اسماعیل و اسحاق گردید.^۲

● ولادت حضرت اسماعیل

حضرت ابراهیم هنگامی که در سرزمین بابل (عراق کنونی) بود، در ۳۷ سالگی با ساره دختر یکی از پیامبران زمان خود ازدواج کرد. ساره بانویی مهربان و با کمال بود و همچون حضرت خدیجه علیها السلام اموال بسیار داشت و همه آن اموال را در اختیار حضرت ابراهیم گذاشت. حضرت ابراهیم نیز آن اموال را در راه خدا مصرف نمود.^۳

ساره در يك خانواده کشاورز و دامدار زندگی می کرد. وقتی همسر حضرت ابراهیم شد، گوسفندان بسیار و زمین های وسیعی که از ناحیه پدر به او به ارث رسیده بود را در اختیار حضرت ابراهیم گذاشت.

هنگامی که حضرت ابراهیم همراه ساره از بابل به سوی سرزمین فلسطین هجرت کردند (چنان که قبلاً ذکر شد) در مسیر راه وقتی به مصر رسیدند، حاکم مصر کنیزی به نام هاجر به ساره بخشید؛ حضرت ابراهیم همراه ساره و هاجر وارد فلسطین شدند و در آن جا زندگی کردند. حضرت ابراهیم در این سرزمین با حضرت لوط (برادر یا پسرخاله ساره) به هدایت قوم پرداختند.

پس از سال ها با این که حضرت ابراهیم به سن پیری رسیده بود، ولی فرزندی نداشت؛ چون ساره همسر حضرت ابراهیم عقیم بود. روزی حضرت ابراهیم به ساره پیشنهاد کرد: «اگر مایل هستی اجازه بده تا من با هاجر ازدواج کنم شاید

۱. ابراهیم، ۳۹.

۲. مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۱۹.

۳. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۱۸.

خداوند از ناحیه او فرزندی به ما عنایت کند، تا پس از ما راه ما را زنده نگهدارد». ساره این پیشنهاد را پذیرفت و هاجر همسر حضرت ابراهیم شد. پس از مدتی حضرت اسماعیل از هاجر زاده شد. این همان فرزند صبور و بردباری بود که حضرت ابراهیم از درگاه خدای متعال درخواست کرده بود و خداوند بشارت او را به حضرت ابراهیم داده بود.^۱

با داشتن این فرزند، کانون زندگی حضرت ابراهیم، زیبا و شاد شد؛ چراکه حضرت اسماعیل ثمره يك قرن رنج و مشقت‌های ابراهیم بود. طبیعی بود که وقتی ساره گاهی چشمش به چهره اسماعیل می‌افتاد، آرزو می‌کرد که کاش او هم فرزندی می‌داشت؛ ازاین‌رو گاهی به حضرت ابراهیم می‌گفت: از خداوند بخواه که من نیز دارای فرزند شوم.

حضرت ابراهیم و ساره گرچه هر دو پیر شده بودند و دیگر امید فرزند داشتن در میان نبود، ولی چون حضرت ابراهیم بارها امدادهای غیبی را مشاهده کرده بود، ازاین‌رو سرشار از امید، از خدا می‌خواست که ساره نیز دارای فرزند شود. طولی نکشید که دعای حضرت ابراهیم مستجاب شد و بشارت فرزندی به نام اسحاق به او داده شد.^۲

وقتی بشارت فرزنددار شدن به‌گوش ساره رسید، از تعجب خندید و گفت: آیا من که پیر و فرتوت هستم و ابراهیم نیز پیر است دارای فرزند می‌شویم، به‌راستی عجیب است؟!

رسولان الهی به ساره گفتند: آیا از فرمان و عنایت خداوند تعجب می‌کنی؟ او خدای مهربان است و در مورد شما چنین خواسته است. طولی نکشید که کانون گرم خانواده حضرت ابراهیم به وجود نوگلی به نام اسحاق گرم‌تر شد.^۳ ابراهیم سپاس الهی را به‌جا آورد و گفت: «شکر و سپاس خداوندی را که به من در سن پیری اسماعیل و اسحاق را عنایت فرمود.

۱. مضمون آیه ۱۰۰ صافات.

۲. مجمع‌البیان، ج ۶، ص ۳۱۹.

۳. هرد، ۶۹ و ۷۴.

● رفتارسازی: امید به خدا و توسل به ائمه، رمز گشایش

این احوال حضرت زکریا و حضرت ابراهیم نشان می‌دهد که هیچ‌وقت نباید دست از دعا برداریم و همیشه باید امیدوار بود؛ چون خداوند متعال بر هر کاری تواناست. در دعای ابی حمزه ثمالی چنین می‌خوانیم: بارالها! می‌دانم که تو برای کسی که به تو امیدوار است در مقام و موضع اجابت هستی. در اعمال بیست و هفتم رجب نیز چنین آمده است: پروردگارا! با دعا از تو تقاضا و طلب می‌کنم که یک فرد امیدوار تو را آن‌گونه دعا کرد و تو هم او را به آرزویش رساندی.

پس نباید از دعا و توسل لحظه‌ای غفلت کرد و باید به لطف خدا امیدوار بود. از طرفی نیز دعا و توسل منافاتی با اقدام برای درمان ندارد؛ زیرا چنانچه درمانی هم حاصل شود از فضل خدا خواهد بود. اهل بیت علیهم‌السلام به ما یاد داده‌اند که زانوی شتر را ببند و توکل کن؛ یعنی برای درمان اقدام کن و درعین حال از خداوند شفا و عنایت را طلب کن.

در کنار این موضوع جا دارد به کسانی که تمکن مالی دارند هم بگوییم، از آنجایی که هزینه‌های درمان ناباروری بسیار بالاست و عده‌ای از زوجها توان مالی لازم برای تأمین این هزینه‌ها را ندارند، یکی از پر سودترین انفاق‌ها و کارهای خیر - که باقیات‌الصالحات ماندگاری خواهد بود - هزینه کردن جهت درمان زوج‌های نابارور و فاقد توانایی مالی است.

در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ وارد شده است که حضرت فرمودند: «هرکس دل مؤمنی را شاد کند، مرا شاد کرده و هرکه مرا شاد کند خدا را شاد کرده است». برابری شاد نمودن دل مؤمن با شادی خدا چیزی نیست که ما با عقل قاصر خود بتوانیم آن را درک کنیم.

امام کاظم ﷺ: «مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَلِلَّهِ بَدَأُ وَبِالنَّبِيِّ نَتَى وَبِنَا ثَلَّثَ» هرکس مؤمنی را شاد کند، ابتدا خدا را شاد کرده و دوم پیامبر ﷺ را و سوم ما را (ائمه معصومین علیهم‌السلام)^۱.

۱. مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِل، جلد ۱۲، ص ۳۹۹.

این عمل خیرخواهانه و خدا پسندانه می‌تواند موجب تولد فرزندانی باشد که تمام اعمال خیرشان در نامه عمل بانیان خیر ثبت و ضبط خواهد شد. و البته طبق قانون باید درمان ناباروری رایگان گردد و امیدوارم در آینده نزدیک این قانون اجرایی شود .

یه دعا می‌کنم از صمیم قلب آمین بگید :
«خدایا لذت شیرینی مادری را به همه آرزومندان بچشان»



فرزند تنهای من

آسیب‌های تک‌فرزندی



● خطبه:

أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ. «الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
بَارِئِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، بَاعِثِ الْأَنْبِيَاءَ وَ الْمُرْسَلِينَ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا
وَ نَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ
الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»

● انگیزه‌سازی: چالش‌های تربیتی دنیای امروز و پدیده تنهایی فرزندان

کودکی که از تنهایی رنج می‌برد به دنبال یک جایگزین برای اوقات فراغت خود است. بنابراین به تلویزیون، بازی‌های رایانه‌ای و هیجان‌های کاذب در بازی‌های رایانه‌ای و دنیای مجازی روی می‌آورد.

از مهم‌ترین مشکلاتی که در روند رشد تکنولوژی و ورود کودکان به دنیای موبایل به وجود می‌آید، آسیب‌های جسمانی و روانی است. به جهت بُعد جسمانی، می‌توان به خطر سیگنال‌های موبایل برای بدن، افزایش احتمال چاقی و مشکل بینایی اعم از تاری و نزدیک‌بینی اشاره کرد.

بیشتر متخصصین به‌ویژه روانشناسان تربیتی کودک، در مورد خطرات زیاد وابستگی کودک به موبایل هشدار می‌دهند.

کودکان با خطرهای جدی مانند موارد زیر روبه‌رو خواهند شد:

- تأثیر در یادگیری و کاهش آن؛

- ناتوانی و اختلال در خواب؛

- بی‌تحریکی و چاقی؛

- روبه‌رو نشدن با موقعیت‌ها و شرایط واقعی زندگی.

به‌خاطر داشته باشید اگرچه برنامه‌های شبکه‌های اجتماعی می‌توانند بچه‌ها و نوجوانان را به دوستان و خانواده متصل کنند، اما بچه‌ها با این ارتباط و اتصال مجازی هرگز نمی‌توانند ارتباط چشمی یا درک احساسات واقعی را یاد بگیرند.

اعتماد به‌معنای وابستگی شدید و عادت کردن به چیزی است که بدون تفکر و تأمل شکل می‌گیرد. بسیاری از کودکان در این هنگام ممکن است سرحال، خوشحال، عصبانی، یا خشن شوند که این حالت‌ها در خلق و خو، اضطراب، افسردگی و پرخاش‌گری آنها مؤثر است.

اعتماد به بازی‌های آنلاین و موبایلی، بیشتر زمانی است که کودک بازی می‌کند تا خود را در قالب شخصیت‌های بازی حس کند. مقصود از بازی کردن، رساندن شخصیت بازی به اهدافش است و به بازیکنان این اجازه را می‌دهد که رفتار بسیار متفاوتی از شخصیت عادی خود نشان دهند. گاهی علی‌رغم اینکه در مواردی که کودک یک شخصیت آرامی دارد، ولی ممکن است با اعتماد به این بازی‌ها به یک شخصیت مهاجم و تهاجمی تبدیل شود.

اعتماد به بازی‌های موبایلی و آنلاین به‌معنای وابستگی به بازی و ناتوانی در کنترل آن است که به ایجاد اختلال در چرخه طبیعی زندگی و عملکرد تحصیلی، شغلی و اجتماعی کودک می‌انجامد. کودک معتاد به بازی، در زمان دسترسی نداشتن، دچار مشغولیت ذهنی و میل به بازی کردن می‌شود.^۱

● انواع اندیشه: نقش خواهر و برادر در تربیت و رشد فرزند

خواهر و برادر داشتن کودکان، تأثیرات فراوانی بر روی آنها می‌گذارد. امروزه بخش زیادی از زندگی روزمره بچه‌ها در کنار خواهر و برادرشان می‌گذرد. ازاین‌رو

نقش بسیار مهم و اثربخشی در زندگی همدیگر دارند. پس پدر و مادرها نباید از نقش فرزندان بر روی یکدیگر غافل شوند.

بین صدها، یا هزاران انسانی که در طول زندگی با آنها رابطه داریم، رابطه بین خواهران و برادران جایگاه ویژه‌ای دارد؛ حتی جایگاه رابطه خواهر و برادری با جایگاه پدر و مادر هم فرق دارد؛ چون اغلب از نظر سنی نزدیک به هم و هم‌دهه‌ای هستند و در بسیاری از مسائل، نظراتی مشابه با هم دارند.

همچنین خواهر و برادر با دوستان هم تفاوت دارند، چراکه رابطه نزدیک‌تری با هم دارند. همه ما رازهایی داریم که آنها را حتی با دوستان نزدیک خود هم به اشتراک نمی‌گذاریم، اما خواهران یا برادران اعتماد ما را نسبت به خود دارند و می‌توانند هم صحبت درد‌های گاه و بی‌گاه ما باشند.

از طرفی خواهران و برادران می‌توانند تأثیر به‌سزایی در رشد و تقویت مهارت‌های اجتماعی یکدیگر داشته باشند؛ چون از کودکی در کنار هم بزرگ شده‌اند و تفاوت‌های شخصیتی یکدیگر را پذیرفته‌اند، حالا در بزرگسالی در فعالیت‌های اجتماعی موفق‌تر هستند.

از مزایای چند فرزندی بودن این است که کودکان هم‌بازی دارند و از لحاظ رشدی و ارتباطی با الگوبری از هم زودتر یاد می‌گیرند؛ تا آخر عمر پشتیبان هم هستند و کمتر بی‌حوصلگی و روزمرگی را تجربه می‌کنند و پذیرش مسئولیت و هویت در آن‌ها بیشتر احساس می‌شود.^۱

● پرورش احساس: عوارض و آفت‌های تنهایی فرزندان

مهم‌ترین معایب خواهر و برادر نداشتن عبارتند از:

- توجه خاص و افراطی والدین

بچه‌هایی که خواهر و برادر ندارند و تنها فرزند یک خانواده به‌شمار می‌روند، در مرکز توجه والدین خود قرار می‌گیرند؛ آنها به این دلیل که خواهر و برادری

۱. <https://www.yjc.news/fa/news> . ۷۶۰۵۰۳۲

ندارند، به رقابت برای جلب توجه پدر و مادر مشغول نمی‌شوند. این در مرکز توجه بودن همیشگی، فرد را در بزرگسالی با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌کند و انتظار دارد جامعه، دوستان و همکاران نیز مانند والدین، توجه ویژه‌ای نسبت به او داشته باشند؛ از این‌رو افرادی پرتوقع بار می‌آیند که در بسیاری از موارد تمایل دارند همه چیز بر وفق مرادشان باشد.

- کنترل و مدیریت کمتر احساسات

بسیاری از کودکان و نوجوانان، روبه‌رو شدن با احساسات و مسائل مختلف در زندگی را از طریق ارتباط با خواهر و برادر خود می‌آموزند. اگر به کودکانی که دارای خواهر و برادر هستند توجه کنید، می‌بینید که این کودکان، در کنترل و مدیریت احساسات خود توانایی بسیار بیشتری دارند. در مقابل، تک‌فرزندان از این موهبت محروم می‌شوند و در بسیاری از شرایط نمی‌توانند آن‌طور که باید رفتار کنند، یا نسبت به اتفاقات واکنش درستی از خود نشان نمی‌دهند.

- مهارت‌های ارتباطی ضعیف‌تر

بخش مهمی از مهارت‌های ارتباطی کودکان در برخورد با محیط اطراف و به‌ویژه همسالان اتفاق می‌افتد. بنابراین یکی دیگر از معایب خواهر و برادر نداشتن، ضعف در مهارت‌های ارتباطی، یادگیری و بروز آن‌هاست. اگرچه کودکان این مهارت‌ها را با رفتن به مهد کودک یا مدرسه کم‌کم می‌آموزند، ولی ارتباط دائمی خواهر و برادر با یکدیگر کمک بیشتری به یادگیری سریع و مؤثر می‌کند.

- فشار روانی زیاد

والدینی که چند فرزند دارند، انتظارات و خواسته‌هایشان میان آنها تقسیم می‌شود، اما یکی از مهم‌ترین معایب نداشتن خواهر و برادر همین است که انتظار والدین از فرزند، به تنهایی فقط روی او متمرکز است. تک‌فرزندها عموماً فشار روانی زیادی در برخورد با انتظارات والدینشان تحمل می‌کنند و در صورت عدم توانایی برای جلب رضایت و خشنودی پدر و مادر، استرس و اضطراب زیادی به آنها وارد می‌شود.

- وابستگی به والدین

کودک یا نوجوانی که خواهر و برادر ندارد، بسیار بیشتر به والدین خود وابسته است و روند استقلال یافتن و جدایی از خانه و خانواده برای او دشوارتر است. این وابستگی نسبت به فرزند، از سوی پدر و مادر هم وجود دارد؛ آنها ترجیح می‌دهند فرزندشان برای همیشه در کنار آنها باشد و این استقلال هرچه دیرتر اتفاق بیفتد، والدین خشنودتر هستند.

- تجربه تنهایی

از دیگر معایب خواهر و برادر نداشتن می‌توان به تجربه تنهایی اشاره کرد. برای مثال تصور کنید که والدین یک فرد تک‌فرزند از دنیا بروند. این فرد پس از پدر و مادر خود هیچ نسبت فامیلی بسیار نزدیک دیگری را تجربه نمی‌کند؛ در چنین شرایط خاصی که فرد به کمک شخص یا اشخاصی مانند خواهر و برادر در کنار خود نیاز دارد، طبیعی است که درمانده می‌شود.

- بلوغ زودرس

مهم‌ترین نکته در طول سال‌های کودکی این است که فرد مهارت‌ها و ارتباطات خودش را با همسالان و دیگر کودکان و نوجوانان سهیم شود؛ این مسئله تأثیر بسیار مثبتی روی موفقیت فرد در اجتماع می‌گذارد. اما یکی از معایب خواهر و برادر نداشتن، ارتباط دائمی کودک با پدر و مادر است که او را در یک ارتباط همیشگی با بزرگسالان قرار می‌دهد.

تک‌فرزندان در این شرایط به تقلید از رفتار بزرگسالان روی می‌آورند و دوران کودکی خود را با کودکی کردن واقعی سپری نمی‌کنند. در برخی موارد این مسئله موجب بلوغ زودرس در آنها می‌شود؛ زیرا به‌طور دائمی با افراد بزرگسال در ارتباط هستند و بنابر نوع رفتار آنها رفتار می‌کنند.

- کمال‌گرایی

یکی از مهم‌ترین معایب خواهر و برادر نداشتن بروز کمال‌گرایی در تک‌فرزند

خانواده است. عموماً والدینی که یک فرزند دارند، تلاش می‌کنند فرزند خود را به بهترین نمونه فرزندان تبدیل کنند؛ به همین دلیل به صورت دائمی او را در انواع کلاس‌ها ثبت نام می‌کنند، یا از او انتظار دارند که مایه افتخار و سربلندی آنها باشد. همین برخورد باعث می‌شود که فرد با یک کمال‌گرایی درونی روبه‌رو شود و از این نظر با مشکلات زیادی در زندگی، کارها و حتی روابط خود روبه‌رو می‌شود.

● رفتارسازی: خطرات در کمین خانواده‌های تک‌فرزند (فوت، مهاجرت، انحراف)

خانواده‌های دارای یک فرزند قطعاً دچار تعارضاتی خواهند شد و از لحاظ روانی نیز دچار مشکلاتی می‌شوند. از آنجایی که تک‌فرزندان اغلب تنها هستند و ارتباط مؤثری با همسالان خود ندارند، عموماً احساس تنهایی می‌کنند. اگر فردی که تک‌فرزند است در برقراری ارتباط با گروه همسالان خود در مدرسه و کلاس مهارت نداشته باشد، کم‌کم به سمت انزوا و افسرده‌خویی می‌رود.

وقتی تمام زندگی عاطفی یک خانواده تنها تک‌فرزندشان است، اگر این فرزند دچار مرضی و حادثه‌ای شود تمام خانواده دچار اخلال می‌شود؛ یا چنانچه تنها فرزند خانواده بخواهد به هر دلیلی به خارج از کشور برود قطعاً خانواده‌اش دچار مشکل اساسی می‌شود. حتی شاید بتوان گفت همین مسأله باعث شود تا والدین او به نگهداری حیوانات خانگی روی بیاورند.

گاهی برخی خانواده‌های تک‌فرزند، با انحراف اخلاقی یا اعتقادی تنها فرزندشان، همه سرمایه زندگی خود را نابود شده می‌بینند. عده‌ای دیگر نیز به دلیل مهاجرت تنها فرزندشان به خارج از کشور، سال‌های پیری و کهن‌سالی را در تنهایی یا در خانه سالمندان سپری می‌کنند.

در روایات اهل بیت علیهم السلام هم توصیه به فرزند زیاد داشتن دیده می‌شود، به سه نمونه اشاره می‌کنم:

مباهات حضرت رسول صلی الله علیه و آله به کثرت اولاد:

حضرت رسول الله صلى الله عليه و آله: «أَكْثَرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرَ بِكُمْ الْأُمَمَ عَدًّا»^۱
اولاد خود را زیاد کنید. من فردای قیامت به کثرت شما بر سایر امت ها
افتخار می کنم.

● برترین زنان

نبی خاتم صلی الله علیه و آله: «خَيْرُ النِّسَاءِ الْوُلُودُ الْوُدُودُ»^۲
«بهترین زنان، زن بسیار فرزندآور و مهربان است»

● فرزند بخواهید

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: «اُظْلَبُوا الْوَلَدَ وَالتَّمَسُّوهُ فَإِنَّهُ قُرَّةُ الْعَيْنِ وَرِيحَانَةُ
الْقَلْبِ وَإِيَّاكُمْ وَالْعَجَزَ وَالْعَقَرَ»^۳

«در طلب فرزند باشید و آن را [از خدا] بخواهید که فرزند، روشنی چشم و
ریحانه قلب است و از ازدواج با زنان پیر و نازا بپرهیزید.»

بنابراین ای کاش خانواده ها، امروز به فکر فردای خود باشند و برای زندگی
خود به یک فرزند اکتفا نکنند و با داشتن حداقل پنج فرزند، لذت یک خانواده
متعادل را به خود و فرزندان شان هدیه کنند تا از خطرات و آسیب های تک فرزندی
محفوظ بمانند.

در غیر این صورت نگرانی دائم از دست دادن تنها سرمایه زندگی همراه آنها
خواهد بود و خدا نکرده یک اتفاق می تواند بهار زندگی آنها را خزان کند .

یک دعا می کنم از صمیم قلب آمین بگوید :

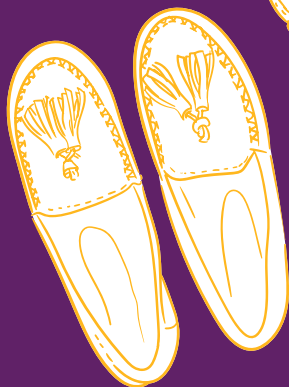
"خدایا نسل محبین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خانواده های ایرانی فراوان
و با برکت بگردان."

۱ . وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۵۷.

۲ . نثر اللآلئ، ص ۶۴.

۳ . بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۸۴.

۳



خانواده دوستدار فرزند

فرزندپوری



● خطبه:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
بَارِئِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، بَاعِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا
وَ نَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ وَاللَّعْنُ الدَائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ
الْآن إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»

● انگیزه‌سازی: توصیف سال‌هایی نه چندان دور (خانواده‌هایی با شش تا ده فرزند)

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ مَا يَغْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»^۱
بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگار من برای شما وزن و ارزشی قائل نیست.^۱
از این آیه فهمیده می‌شود که دعاهاى بندگان خیلی برای خداوند متعال
ارزشمند است؛ ازاین‌رو معمولاً سخنرانان آخر مجالس اهل بیت علیهم‌السلام دعا می‌کنند،
اما من امروز می‌خواهم اول جلسه دعا کنم.

به‌نظر شما اگر امروز کسی بخواهد یک دعای کاربردی برای جامعه اسلامی
بکند چه دعایی می‌کند؟ در پاسخ باید بگویم، دعایی که قرار است امروز همه

۱. فرقان، ۷۱.

شما برای تحقق آن الهی آمین بگویید، چند ویژگی خاص دارد که مهترین آن این است که کشور ما را جزو کشورهای پر قدرت دنیا می‌کند؛ شادی و خنده و مهر و محبت را دوباره به خانواده‌های ما برمی‌گرداند و منجر به زیاد شدن برکت در زندگی‌های ما می‌شود.

«خدایا به حق محمد و آل محمد ﷺ خانواده‌های ایرانی را مانند گذشته پر جمعیت و دارای فرزندان زیاد بگردان».

این دعا شاید به ظاهر خاص نباشد، ولی اگر در اعماق این دعا تفکر کنیم، می‌بینیم که اگر خانواده‌های ما به خانواده‌های پر جمعیت تبدیل شوند، بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی و حتی خانوادگی ما حل خواهد شد.

یکی از مشکلات تربیتی کودکان این است که در خانواده‌های کم جمعیت بزرگ می‌شوند؛ برای همین والدین نمی‌توانند آن‌ها را خوب تربیت کنند؛ اما در خانواده‌هایی که سه فرزند به بالا دارند، پدر و مادر اغلب در امر تربیت موفق‌تر هستند؛ زیرا کودکان از فرزند اول الگو می‌گیرند و سعی می‌کنند مستقل باشند و مسائل را بین خود حل کنند. بنابراین از نظر تربیتی هیچ مشکلی برای آوردن فرزند دوم، سوم و حتی چهارم وجود ندارد. از نظر پزشکی نیز متخصصین می‌گویند: هیچ منعی ندارد که مادر چند فرزند را به دنیا بیاورد.

امروزه واقعاً خیلی دلتنگ روزهای قدیم هستیم؛ روزهایی که در هر خانواده چند فرزند با هم در حال بازی و تکامل در کنار هم بودند. اگر از بزرگ‌ترها در مورد پنجاه شصت سال گذشته بپرسید، حتما خواهند گفت معمول بود که خانواده‌های ایرانی در همه شهرها بیش از پنج فرزند داشتند و چقدر هم دور هم خوش بودند. فرزندان و پدر و مادرها، در مهمانی‌های لذت‌بخش و مسافرت‌ها همه با هم بودند؛ به داد هم می‌رسیدند. هر پدری با فرزندانش یک کاسبی یا شغل پر رونق راه می‌انداخت. معمولاً فرزندان شغل پدر را توسعه می‌دادند. قناعت می‌کردند؛ به موقع ازدواج می‌کردند و گاهی در کنار هم در یک خانه زندگی می‌کردند؛ سخت نمی‌گرفتند. ان شاء الله دوباره روزی برسد که کانون گرم خانواده با حضور فرزندان زیاد از صفا و صمیمیت بیشتری برخوردار بشود و دوباره برکت و صفا و صمیمیت آن روزها به خانواده‌ها برگردد.

● اقناع اندیشه: برکات داشتن فرزندان زیاد

داشتن فرزندان زیاد برکات مادی و معنوی فراوانی دارد؛ چند ویژگی بسیار مهم این برکات عبارتند از:

- فرزندان، عامل اقتدار و نیرومندی والدین

روایات اسلامی و سبک زندگی ایرانی نشان می‌دهد که فرزند، عامل اقتدار و بازوی توانایی والدین در شرایط سخت زندگی است. در این خصوص امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «...تَوْفِيرُ الْوَلَدِ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ وَ حَوَادِثِ الْأُمُورِ...». (از برکات ازدواج) اندوختن فرزند برای (رویارویی با) سختی‌های روزگار و پیامدهای زمانه است.^۱ در نقلی، روزی امام حسن عسکری علیه السلام که به‌دستور معتمد عباسی (لعنه الله علیه) در زندان به‌سر می‌برد به یکی از یاران خود در زندان فرمودند: آیا فرزند داری؟

عرض کرد: خیر! امام درباره او دعا فرمود:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ وَلِداً يَكُونُ لَهُ عَضُدٌ فَنِعْمَ الْعَضُدُ الْوَلَدُ؛ خدایا! به او فرزندى روزی کن که بازوی توانایی برای وی باشد؛ چراکه فرزند چه خوب بازویی است!» سپس حضرت این شعر را خواندند:

مَنْ كَانَ ذَا عَضُدٍ يُدْرِكُ ظِلَامَتَهُ
إِنَّ الدَّلِيلَ الَّذِي لَيْسَتْ لَهُ عَضُدٌ

هرکس که بازویی (فرزندى) دارد، اگر ستمی بر او رود، فرزندش آن را می‌ستاند. ذلیل و خوار کسی است که بازو (فرزند) ندارد.^۲

امام زین‌العابدین علیه السلام نیز در این مورد می‌فرماید: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ». از سعادت مرد این است که فرزندانى داشته باشد تا در مشکلات به یاریش برخیزند.^۳

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۷۰۰، ح ۹۶۲۰.

۲. بحارالأنوار، محمدباقر مجلسی، ج ۵۰، ص ۲۷۵، ح ۴۸۲.

۳. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، تحقیق، تصحیح و نشر: مؤسسه آل البیت، ج ۲۱، ص ۳۵۶، ح ۲۷۲۸۶.

به این جهت قرآن کریم نیز داشتن مال و فرزندان را نشانه امداد الهی و وسیله قدرتمندی و اقتدار می‌داند و می‌فرماید: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا». سپس غلبه و تسلط بر آنها را به شما باز می‌گردانیم و شما را به وسیله اموال و فرزندانی یاری می‌کنیم و از حیث نفرت، بیشتر (از آنها) قرار می‌دهیم.^۱

بنابراین جمعیت، یکی از پایه‌های اصلی قدرتمندی، تولید ثروت و پیشرفت هر خانواده و جامعه‌ای است.

- سلامت و شادکامی والدین

وجود فرزندان در خانواده آثار و فواید جسمانی و روحی و روان‌شناختی فراوانی برای والدین به دنبال دارد. خانواده‌هایی که صاحب فرزند زیادتند، بیش از خانواده‌های بدون فرزند از زندگی لذت می‌برند و احساس خوشبختی بیشتری می‌کنند. نتایج تحقیقات پژوهشگران دانشگاه «بریگهام یانگ» آمریکا بر ۲۰۰ هزار خانواده از ۸۶ کشور جهان، بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ م نشان می‌دهد که داشتن فرزند، موجب کاهش فشار خون والدین، افزایش تمایل به یادگیری، استفاده بیشتر از قدرت تعقل، افزایش اعتماد به نفس، امکان بهتر درک زیبایی‌ها، دقت بیشتر در کارهای جزئی و افزایش شادی والدین می‌گردد.^۲

تحقیقات جدید نیز نشان می‌دهد که پدر و مادر شدن، آنها را از خطر ابتلا به سرطان و بیماری‌های قلبی محافظت می‌کند. همچنین، این تحقیقات حاکی از آن است که بارداری زنان در عملکرد حافظه آنها اثر می‌گذارد و موجب می‌شود مغز آنها عملکرد بهتری داشته باشد.^۳

افزون‌براین، یکی از عوامل ایجاد آرامش و افزایش شور و نشاط در زندگی، ورود فرزند به کانون خانواده است. اگرچه در آغاز جوانی، محرک انسان برای ازدواج، مسئله تمایلات نفسانی است، ولی آنگاه که از شدت این تمایلات کاسته

۱. اسراء، ۶.

۲. دانش خانواده و جمعیت، زهرا آیت‌اللهی و همکاران، نشر معارف، ص ۱۸۵.

۳. همان، ص ۱۸۶.

می‌شود، مایه دلگرمی کانون خانواده، داشتن فرزند است. از این رو در تعبیر دینی، فرزندان، نور چشم والدین به‌شمار آمده‌اند.

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های «عِبَادُ الرَّحْمَنِ» (بندگان خاص خداوند) را این‌گونه بیان می‌کند:

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا». و آنان کسانی هستند که می‌گویند: پروردگارا! برای ما از همسران و فرزندانمان روشنی‌دیدگان (و نسل‌های صالح، پاک و متقی) عطا کن و ما را بر پرهیزکاران (در مسابقه به‌سوی ایمان و رهبری در اصول و فروع و معارف) پیشوا گردان.^۲

امام صادق (علیه السلام) نیز در سفارش به فردی که پس از سال‌ها ازدواج صاحب فرزند نشده بود، فرمودند: زمانی که یکی از شما فرزنددار شدنش دیر شود، باید بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَحِيدًا وَخَشًا، فَيَقْصُرَ شُكْرِي عَنْ تَقَكُّرِي، بَلْ هَبْ لِي أَنْثًا وَ عَاقِبَةً صِدْقٍ ذَكُورًا وَإِنَّا، أَشْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَ أَنَسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَ أَشْكُرُكَ عَلَى تَمَامِ النِّعْمَةِ». خدایا! مرا وحشت‌زده و تنها نگذار تا سپاسگزاریم از تدبیرم کمتر شود، بلکه محل آنس و جانشینی درست از پسران و دختران را به من ببخش که از وحشت، به اینان انس گیرم و از وحدت با آنان آرامش یابم و به‌هنگام کامل شدن نعمت تو را سپاس گویم.^۳

در این دعا وجود فرزند، باعث آرامش و عاملی برای دوری از وحشت و تنهایی به‌شمار آمده است. از این رو برخی اندیشمندان در تبیین جایگاه فرزند در کانون خانواده معتقدند که:

«زن‌اشویی بدون فرزند، پژمردگی است و پس از آوردن فرزند، کانون زندگی به

۱. علامه طباطبایی به نقل از راغب اصفهانی در تفسیر آیه مذکور می‌نویسد: «به کسی که مایه شادی آدمی است، نور چشم و قره عین گفته می‌شود» تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش، ج ۱۵، ص ۳۳۸.

۲. فرقان، ۷۴.

۳. الکافی، کلینی، طبع دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۳۴۶، ح ۱۰۴۴۵.

شکوفایی می‌رسد؛ بلکه پس از بچه‌دار شدن، زندگی دارای معنای حقیقی می‌شود و خانه به‌وسیله فرزند، پُر از خنده و نشاط می‌گردد»^۱.

پژوهشی که «برتراند راسل» انجام داده است، نشاط و شادمانی حاصل از تولد فرزند در خانواده را تأیید می‌کند. گذراندن وقت با کودک و بازی با او یکی از بهترین لحظاتی است که می‌تواند به پدر و مادر انرژی و نشاط ببخشد.^۲

تحقیقات «فیلدمن» نیز درباره پدران و مادران جوانی که فرزند اولشان به دنیا آمده، حاکی از آن است که لذت پدر و مادر شدن و احساس شادی و نشاط حاصل از آن در ایجاد آرامش و آسایش زندگی زناشویی بسیار مؤثر است.^۳

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که پدر و مادر به سنین پیری می‌رسند و محیط خانه به آشیانه‌ای ساکت و بی‌فروغ تبدیل می‌شود و به دلیل نداشتن فرزند، مجبورند در خانه سالمندان یا گوشه‌خانه‌ای خاموش، عمر خود را در تنهایی و رنج سپری کنند.

- باقیات الصالحات آخرت

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: خدای عزّ و جلّ به موسی (علیه السلام) فرمود: در شب و روز مرا بسیار یاد کن و هنگام ذکر من خاشع باش و به‌هنگام بلاشکیبا باش و پیش ذکر من آسوده باش و مرا پرستش کن و چیزی را شریک من قرار مده؛ بازگشت همه به سوی من است. ای موسی مرا (برای روز درماندگی) ذخیره خود ساز و گنج (باقیات الصالحات) کردارهای شایسته و پابنده خود را به من بسپار.^۴

«باقیات الصالحات؛ اعمال صالحی است که نزد خدا محفوظ می‌ماند و باعث شکر و اجر عظیم خداوند می‌شود».^۵

۱. تاریخ فلسفه، ویل دورانت، ترجمه عباس زریاب، صص ۱۷۸ - ۱۷۹.

۲. دانش خانواده و جمعیت، ص ۱۸۷.

۳. همان.

۴. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، ج ۹، ص ۱۴۴۳، کتابخانه امام امیرالمومنین امام علی (علیه السلام)، اصفهان، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۰۲، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هرکس از این جهان درگذرد پس از مرگ، چیزی به او نمی‌رسد جز این‌که پیش‌تر سه چیز از خود باقی گذاشته باشد:

۱. کار نیکی که اثرش پس از او باقی باشد؛
۲. سنت حسنه‌ای که در میان مردم رواج داده باشد و بعد از او مردم به آن روش عمل کنند؛

۳. فرزند صالحی که برای او دعا کند.^۱
- در حدیث دیگری از آن حضرت نقل شده که فرمودند: شش چیز است که شخص مؤمن پس از مرگش از آن بهره‌مند خواهد شد:
۱. فرزند صالحی که برای او طلب آموزش کند؛
 ۲. قرآنی که از او باشد و مورد استفاده قرار گیرد؛
 ۳. درختی که می‌نشانند؛
 ۴. چاه آبی که احداث نماید؛
 ۵. چشمه آبی که در راه خدا جاری می‌کند؛
 ۶. سنت و روش نیکی که پس از او مردم به آن عمل کنند.^۲

● عامل امنیت و استحکام خانواده

مطالعات جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی نیز نشان می‌دهد که: «طلاق میان افراد متأهل بدون فرزند، بیشتر از متأهلین دارای فرزند است».^۳ یعنی فرزندان با حضور خود به عنوان سدّی محکم در مقابل سیل ویرانگر حوادث، از حریم کانون خانواده محافظت می‌کنند.

براساس تحقیقات و مطالعات، امروزه یکی از علت‌های طلاق زوجین، نداشتن فرزند است. فرزند، به‌ویژه فرزند خردسال، به منزله پیوند بین پدر و مادر

۱. وسائل الشیعه، بیروت، ج ۱۳، ص ۲۹۲

۲. همان مدرک، ص ۲۹۳

۳. رک: مقاله بازدارنده‌ها و تسهیل‌کننده‌های اقتصادی و اجتماعی طلاق، دکتر محمد قدسی، دکتر اسماعیل بلالی و دکتر سعید عیسی‌زاده، نشریه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، مطالعات راهبردی زنان، پاییز ۱۳۹۰ش، شماره ۵۳.

است. از این رو، بی‌فرزندى باعث تزلزل خانواده می‌شود؛ چراکه زندگى کم‌کم عادى و مشکلات نمایان‌تر می‌شود؛ در نتیجه، علاقه همسران به زندگى مشترک کم خواهد شد؛ ولى حضور فرزند در کانون خانواده، جاذبه‌ها و دل‌مشغولى‌هاى تازه‌ای برای والدین به ارمغان می‌آورد؛ همین امر، در کنار مشاهده ناتوانایی‌هاى نوزاد، حس مسئولیت و شفقت از سوى پدر و مادر، باعث می‌شود تمام نیرو و احساسات آنها در جهت حمایت از کودک متمرکز گردد.

از این روست که در آموزه‌های دینی از فرزند به «جگرگوشه والدین»^۱ و «گل خوشبوی بهشتی»^۲ یاد شده است که والدین حاضر نیستند به راحتی آن را از دست بدهند. بنابراین حضور فرزند در زندگى مشترک، نقش مثبتى در استحکام و تداوم حیات خانواده دارد. این ویژگی‌ها تنها گوشه‌ای از هزاران ویژگی مثبت فرزندان زیاد در خانواده‌هاست.

● پرورش احساس: پای صحبت خانواده‌های دوست‌دار فرزند

یکی از خانواده‌های پرجمعیت، خانواده جناب آقای وافی است. در یکی از مصاحبه‌هایی که با ایشان شده بود مصاحبه‌گر از ایشان پرسید:^۳

مشکل مالی ندارید؟

ایشان در پاسخ گفتند:

مردم مشکل خرج ندارند، بلکه مشکل بَرَج دارند. بَرَج مردم بالاست؛ بَرَج یعنی خرج اضافه. انسانی که درست خرج کند و مسائل شرعى مانند خمس و زکات را هم رعایت کند، خدا به زندگى‌اش برکت می‌دهد. اگر منظور از مشکل مالی خرید تلویزیون ۱۵ میلیونی است، ما نمى‌توانیم چنین تلویزیونی تهیه کنیم. به همین جهت ما سعی می‌کنیم تنها لوازم و اسباب ضرورى را فراهم کنیم.

من باور دارم هیچ‌کسى با داشتن فرزندان زیاد دچار مشکل نمى‌شود؛ چون روزی را خدا می‌رساند. موضوع برکت پیدا کردن درآمد را باید در عمق زندگى

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسى، ج ۱۵، ص ۱۱۲.

۲. همان، ص ۱۱۳.

۳. کد خبر: ۴۰۶۲۱۴ سایت fararu.com

جست و جو کرد؛ چون این مسأله چیزی نیست که بتوان با چند جمله آن را تعریف کرد. به طور مثال خداوند متعال در زندگی ام دامادهایی را در مسیر زندگی دخترانم قرار داد که جهیزه سنگین نمی خواستند. درست است که ما وسیله روزی رساندن هستیم، اما بگذارید پاسخ تعجب شما را از قرآن کریم بدهم. خداوند در آیه ۳۱ سوره اسراء می فرماید: «وَمَا مِنْ ذَاتَةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا؛ هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر این که روزی او بر خداست». پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «ازدواج کنید تا زیاد شوید؛ زیرا من در روز قیامت به واسطه شما بر سایر امت ها مباحات می کنم».

ایشان در ادامه گفتند: متأسفانه هنوز برخی درک نکرده اند که کثرت نسل رزق آور است، نه مشکل ساز. من باور دارم هیچ کسی با داشتن فرزندان زیاد دچار مشکل نمی شود؛ چرا که روزی را خدا می رساند. در واقع مشکل کسانی که کم بودن روزی را دلیل فرزند کمتر می دانند این است که به رزاق بودن خداوند متعال باور ندارند و به اشتباه خود را مسئول این کار می دانند. من چنین اعتقادی ندارم و خدا هم به درآمد کم من برکت بسیار داده است؛ به طوری که در کسب روزی خانواده ام کمک های الهی را بارها و بارها دیده ام.

فرزند یکی دیگر از خانواده هایی که تجربه داشتن ۱۴ فرزند را داشت، می گفت: پدرم من را خیلی بیشتر از بقیه خواهر و برادرانم دوست داشت؛ وقتی از مسافرت برمی گشت معمولاً سوغات بهتری برای مادر، بچه اول خانواده و من می آورد؛ وقتی بقیه اعتراض می کردند که چرا برای نجمه سوغات بهتری آوردی می گفت: چون نجمه فرزند اول از دور دوم است. این جمله پدرم یادآور این خاطره بود که ظاهراً بعد از فرزند هفتم که خدا به آنها داده بود، دیگر بچه دار نمی شدند؛ پدرم از این بابت خیلی ناراحت بود و دائم با دعا و توسل، از خدا طلب می کرد که فرزندان بیشتری به او عطا کند؛ تا اینکه بالاخره دعایشان مستجاب شد و خدا من را به آنها داد که شدم اولی از دور دوم. بعد از من تا ۱۴ فرزند خدا روزی شان کرد و همیشه خوب و خوش کنار هم زندگی می کردیم. معمولاً وقتی همه با هم سر سفره بلندی می نشستیم، پدرم با عشق دور سفره می چرخید و می گفت: بخورید؛ من از تماشای شما لذت می برم.

● رفتارسازی:

نمونه‌هایی از فرزندان یتیم که به عنایت خداوند، انسان‌هایی بزرگ و تاریخ‌ساز شدند

در اینجا یک سؤال بسیار مهم مطرح است که پاسخ آن می‌تواند گره‌های کور ذهنی را باز کند و آن اینکه: واقعاً خداوند تا چند فرزند را می‌تواند روزی بدهد؟

آیا پدران و مادران روزی فرزندان را می‌دهند یا خداوند روزی‌رسان است؟ قطعاً همه یتیم‌هایی را دیده‌ایم که بدون روزی نمانده‌اند و حتی تبدیل به شخصیت‌های بزرگ و موفق‌ی هم شده‌اند. از جمله این شخصیت‌ها عبارتند از:

- حضرت آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی رحمته‌الله علیه

گوگد، روستایی در یک فرسختی شهرستان گلپایگان، مهد پرورش عالمان بزرگی است. سال‌ها پیش در این روستا بزرگ‌مردی پاکدل و پرهیزگار، عالمی عامل و سیدی بزرگوار به اسم سید محمدباقر می‌زیست. آقا سید محمدباقر در بین مردم آن سامان معروف به زهد و تقوی و فضیلت بود.

آقا سید محمدباقر امام دارای چهار فرزند دختر بود، ولی از داشتن فرزند پسر محروم بود و از دست تقدیر هشت پسر ایشان قبل از تولد مرجع بزرگ از دنیا رفته بودند و حسرت بر دل وی مانده بود. عاقبت بارقه‌ای از نور ولایت از وادی مقدس ناحیه امام هشتم علیه‌السلام بر قلب وی تابید و همه احساسات او را تحت تأثیر خود قرار داد. آقا سید محمدباقر امام عزم سفر به آن آستان مقدس در دلش افتاد؛ بی‌درنگ بار سفر به آستان مولی‌الموالی امام هشتم علیه‌السلام را با زاد صفای اخلاص بر راحله توکل برپست و با پای پیاده خود را بدان آستان مقدس رسانید و از حضرت خواست که به إذن الله پسری به او مرحمت فرماید که موجب روشنی چشم او و برکت و عزت اسلام و مسلمین باشد.

در پی این توسل در همین سفر یکی از صبیبه‌های ایشان در عالم رؤیا مشرف به حضور حضرت رضا و امام جواد علیه‌السلام می‌شوند. بعد مشاهده می‌کنند که حضرت جواد علیه‌السلام رفت و امام رضا علیه‌السلام ماند. سید محمدباقر، خواب را چنین تعبیر کردند که خداوند دو پسر به ایشان می‌دهد که اولین آنها (رضا) می‌ماند،

ولی دومی از دنیا می‌رود و همین‌طور هم شد! هنگام تولد فرزند دوم، مادر و پسر هر دو از دنیا می‌روند.

در هشتم ذی‌القعدة سال ۱۳۱۶ ق در خانه سید محمدباقر امام ستاره‌ای پر فروغ درخشید و خانه پر از صفا و معنویت او به نور جمال کودکی منور گردید که موجب شادی تشنگان علم و فضیلت شد.

پدر چون این فرزند را کرامتی از سوی امام هشتم علیه السلام می‌دانست و از طرفی ایشان در ایام ولادت علی بن موسی‌الرضا علیه السلام متولد شده بود (ولادت امام رضا یازدهم ذی‌القعدة سنه ۱۴۸ هـ.ق) این مولود مبارک را «محمدرضا» نامیدند و لقب او را «هبة الله» قرار دادند؛ (چراکه او یک موهبتی بود از طرف خدا و این موهبت مختص پدر نبود بلکه رحمتی بر تمام مسلمین عصر بود) و کنیه وی را «ابوالحسن» انتخاب کردند. سید محمدباقر حتی در نام‌گذاری فرزندش هم از آداب و رسوم خاندان رسالت و ائمه طاهرين علیهم السلام تبعیت کرد و برای فرزندش علاوه بر اسم، کنیه و لقب هم برگزید. پس از مراسم نامگذاری، پدر دست به آسمان بلند کرد و در حق فرزند دعایی نمود و در پشت صحیفه سجاده‌ای در ذیل تولد ایشان این چنین نوشت:

«اللهم طوّل عمره، و وسّع رزقه، و اجعله من العلماء العاملين بفضلک و کرّمک یا ارحم الراحمین». خدایا عمر فرزندم را طولانی کن و بر وی وسعت روزی مرحمت فرما و او را از علمای عاملین و با تقوی قرار ده. خدایا این خواسته‌های ما را با فضل و بزرگواریت عطا فرما؛ ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان. این سه دعا در حق فرزندش به استجابت رسید.

مادر ایشان مرحومه خانم «هاجر» بود؛ ایشان سه‌ساله بود که تنهایی را لمس کرد؛ مادرش در سال ۱۳۱۹ به‌هنگام وضع حمل از دنیا رفت و زندگی را بدون عنصری با محبت و با عطوفت به‌نام مادر گذراند. مرجع بزرگ شیعه در خانه‌ای پرورش یافت که زهد و تقوی و علم در آن موج می‌زد. در سن ۹ سالگی شاهد رحلت مدافع و تکیه‌گاه بزرگ خود شد و دست تقدیر پدر را از او گرفت و لباس یتیمی را بر وی پوشاند. پدر رفت و فرزند را به امید خدا سپرد. زمان زیادی نگذشت که این کودک یتیم تبدیل به مرجعی بزرگ و نام‌آشنا در جهان تشیع گردید.

- روح الله الموسوی الخمینی

در روز بیستم جمادی الثانی ۱۳۲۰ هجری قمری مطابق با اول مهر ۱۲۸۱ هجری شمسی (۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲ میلادی) در شهرستان خمین از توابع استان مرکزی ایران در خانواده‌ای اهل علم و هجرت و جهاد و در خاندانی از سلاله زهرای اطهر علیها السلام روح الله الموسوی الخمینی پای بر خاکدان طبیعت نهاد.

او وارث سجایای آبا و اجدادی بود که نسل در نسل در کار هدایت مردم و کسب معارف الهی کوشیده‌اند. پدر بزرگوار ایشان مرحوم آیت الله سید مصطفی موسوی از معاصرین مرحوم آیت الله العظمی میرزای شیرازی علیه السلام پس از آنکه سالیانی چند در نجف اشرف علوم و معارف اسلامی را فرا گرفته و به درجه اجتهاد نایل آمده بود، به ایران بازگشت و در خمین ملجأ مردم و هادی آنان در امور دینی بود. در حالی که بیش از پنج ماه از ولادت «روح الله» نمی‌گذشت، طاغوتیان و خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت، ندای حق طلبی پدر را که در برابر زورگویی‌هایشان به مقاومت برخاسته بود، با گلوله پاسخ گفتند و در مسیر خمین به اراک وی را به شهادت رساندند. بستگان شهید برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دارالحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید.

بدین ترتیب امام خمینی علیه السلام از اوان کودکی با رنج یتیمی آشنا و با مفهوم شهادت روبه‌رو گردید. وی دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی مادر مؤمنه‌اش (بانو هاجر) که از خاندان علم و تقوا و از نوادگان مرحوم آیت الله خوانساری (صاحب زبدة التصانیف) بوده است و همچنین نزد عمه مکرمه‌اش (صاحبه خانم) که بانویی شجاع و حق‌جو بود، سپری کرد؛ اما در سن پانزده سالگی از نعمت وجود آن دو عزیز نیز محروم گردید.

این فرزند یتیم به‌خواست پروردگار موفق شد بزرگ‌ترین انقلاب قرن را به پیروزی برساند و مسیر جهان را از پرتگاه سقوط بی‌دینی و دین‌ستیزی، در مسیر قله کنجکاوای معنوی و رویش‌های دینی قرار دهد.

- حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

خدای متعال شخصیت روحی و اخلاقی آن بزرگوار را در ظرفی تربیت کرد و

به وجود آورد که بتواند آن بار عظیم امانت را بر دوش حمل کند. یک نگاه اجمالی به زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوران کودکی بیندازیم. پدر آن بزرگوار، بنابر روایتی قبل از ولادتش و بنابر روایتی دیگر چند ماه بعد از ولادتش از دنیا می‌رود و آن حضرت پدر را نمی‌بینند. به رسم خاندان‌های شریف و اصیل آن روزگار سرزمین حجاز که فرزندان خود را به زنان پاکدامن و دارای اصالت و نجابت می‌سپردند تا آنها را در صحرا و در میان قبایل عربی پرورش دهند، این کودک عزیز چراغ خانواده را نیز به یک زن اصیل و نجیب به نام حلیمه سعدیه - که از قبیله بنی سعد بود - سپردند. او نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در میان قبیله خود برد و حدود شش سال آن کودک عزیز و آن درّ گران بها را نگه‌داشت؛ به او شیر داد و او را تربیت کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صحرا پرورش پیدا کرد. گاهی این کودک را نزد مادرش (حضرت آمنه) می‌آورد و ایشان او را می‌دید و سپس باز برمی‌گرداند. بعد از شش سال که این کودک از لحاظ جسمی و روحی پرورش بسیار ممتازی پیدا کرده بود (جسم قوی، زیبا، چالاک، کارآمد؛ از لحاظ روحی نیز متین، صبور، خوش اخلاق، خوش رفتار و با دید باز، که لازمه زندگی در همان شرایط است) به مادر و خانواده برگردانده شد.

مادر این کودک را برداشت و با خود به یثرب برد تا قبر جناب عبدالله را - که در آنجا از دنیا رفت و در همان جا هم دفن شد - زیارت کنند. بعدها که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه تشریف بردند و از آن جا عبور کردند، فرمودند قبر پدر من در این خانه است و من یادم است که برای زیارت قبر پدرم، با مادرم به اینجا آمدم. در برگشتن، در محلی به نام ابواء، مادر هم از دنیا رفت و این کودک از پدر و مادر (هر دو) یتیم شد. به این ترتیب، ظرفیت روحی این کودک که در آینده باید دنیایی را در ظرفیت وجودی و اخلاقی خود تربیت کند و پیش ببرد، روزبه‌روز افزایش پیدا کرد. ام‌ایمن او را به مدینه آورد و به دست عبدالمطلب داد. عبدالمطلب مثل جان شیرین از این کودک پذیرایی و پرستاری می‌کرد. عبدالمطلب در شعری می‌گوید که من برای او مثل مادرم. این پیرمرد حدود صدساله - که رئیس قریش و بسیار شریف و عزیز بود - آن چنان این کودک را مورد مهر و محبت قرار داد که عقدۀ کم‌محبتی در این کودک مطلقاً به وجود نیاید

و نیامد. شگفت‌آور این است که این نوجوان، سختی‌های دوری از پدر و مادر را تحمل می‌کند تا ظرفیت و آمادگی او افزایش پیدا کند.

همین کودک یتیم به‌خواست پروردگار، خاتم پیامبران و مقرب‌ترین بنده خدا شد که همه ما و همه مسلمانان جهان حیات معنوی خود را مدیون او هستیم.

پس نتیجه می‌گیریم آینده مادی و معنوی فرزندان ما (کم باشند یا زیاد) به‌دست خداست.

«خدایا بحق محمد و آل محمد (علیهم‌السلام) خانواده‌های ایرانی را مانند گذشته پرجمعیت و دارای فرزندان زیاد و با برکت بگردان». الهی آمین



پدر، مادر حس خوب زندگی

والدین و صمیمیت زندگی



● خطبه:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
بَارِئِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، بَاعِثِ الْأَنْبِيَاءَ وَالْمُرْسَلِينَ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا
وَ نَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ وَاللَّعْنُ الدَائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ
الآن إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»

● انگیزه‌سازی: آمار طلاق واقعی و عاطفی، امنیت زندگی مشترک زمینه‌ساز فرزندآوری

آمارها نشان می‌دهد که از هر سه ازدواج در سال ۱۴۰۰ یک مورد به طلاق
منجر شده است. در تابستان ۱۴۰۰، مجموع ازدواج کشور ۱۳۴ هزار و ۲۰۸ مورد بوده
است. این درحالی است که محاسبات نشان می‌دهد ازدواج در ایران در فاصله
۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹، بیش از ۳۶ درصد کاهش یافته است.^۱

سال‌ها قبل چنانچه فامیل از اختلاف بین زن و شوهری با خبر می‌شدند
همه دور هم جمع می‌شدند و با پادرمیانی سعی می‌کردند اختلاف بین زوجین
را برطرف کنند؛ ولی امروزه با گذشت زمان و کم‌رنگ شدن نقش فامیل در بین

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، کد خبر ۸۴۶۸۳۲۰۰.

جوان‌ترها، این ریش سفیدی‌ها نیز کم‌رنگ شده است و به محض ایجاد اختلاف بین زن و مرد، خودشان تصمیم می‌گیرند و بدون آنکه بزرگ‌ترها را در جریان قرار دهند، تصمیم خود را به مرحله اجرا می‌گذارند.

خانم دکتر زهره احمدی، مشاور و روان‌شناس در این مورد می‌گوید: «یکی از دلایلی که بحث طلاق توافقی را در بین خانواده‌ها پررنگ می‌کند، بحث تغییر سبک ازدواج‌هاست. در قدیم بزرگان فامیل دختری را برای پسرشان انتخاب می‌کردند و ازدواج کاملاً سنتی انجام می‌شد. در چنین مواقعی همان بزرگ‌ترها احساس مسئولیت می‌کردند و اگر یکی از دو طرف زوجین احساس ناراحتی و رنجش در زندگی‌اش به وجود می‌آمد، وارد عمل می‌شدند و سعی می‌کردند اختلاف آنها را برطرف کنند. ولی امروزه سبک ازدواج تغییر کرده و بسیاری از آشنایی‌ها به سطح خیابان کشیده شده است؛ بیشتر این آشنایی‌ها نیز که به ازدواج منجر می‌شود، انتخاب خود دختر و پسر است و بزرگ‌ترها هیچ نقشی در آن ندارند»^۱.

امروزه روابط نامناسب در بین همسران، باعث شده این نوع از خانواده‌ها تمایلی به فرزندآوری نداشته باشند و می‌توان گفت یکی از بزرگترین عوامل عدم فرزندآوری، نداشتن ارتباط صحیح بین همسران است؛ همین ارتباط نامناسب بین همسران باز بستگی به خود همسران دارد. زن و شوهر در یک خانواده با همکاری همدیگر می‌توانند بهترین زندگی را برای خود بسازند و بستر مناسب را برای فرزندآوری آماده نمایند.

● اقناع اندیشه:

بهشت و جهنم خانه و خانواده، وابسته به روابط زوجین

در بررسی عوامل مشکلات خانوادگی که گاهی خانواده‌ها را به فروپاشی کامل می‌کشاند و گاهی منجر به طلاق عاطفی می‌شود، به موارد متعددی برمی‌خوریم که در گستره‌ای از مسائل روانی، اجتماعی، فرهنگی، دینی، اقتصادی و جسمانی

۱. همان.

جای می‌گیرند. اینک با اذعان به تفاوت میزان نقش این عوامل در اختلافات خانوادگی، به بررسی اجمالی آنها می‌پردازیم.

- عوامل روان‌شناختی و ارتباطی طلاق عاطفی همسران

برخی اختلافات زن و مرد به چگونگی روابط کلامی و غیرکلامی آنها باز می‌گردد. بسیاری از افراد تصور می‌کنند که دیگران از مقاصد و مسائل آنان آگاهی دارند؛ همین امر موجب می‌شود در روابط کلامی به بیان همه نکات نپرداخته، با کنایه و استعاره سخن گویند. استفاده از واژه‌های مبهمی مانند «این»، «آن» و «چیز» نیز مانعی برای تفاهم است. افراد گاهی در مقام توضیح و بیان مسائل، از واژه‌هایی استفاده می‌کنند که در بردارنده معنای داوری و قضاوت است. همین امر موجب می‌شود ناخواسته به داوری روی آورند. نکته دیگر آنکه برخی افراد برای بیان قدرشناسی، کمتر از الفاظ استفاده می‌کنند؛ درحالی‌که در انتقاد و ایراد گرفتن، صراحت بیشتری دارند و کم‌رویی نشان نمی‌دهند.^۱

در روابط غیرکلامی، خودبرتربینی یا تکبر عاملی برای اختلاف است. تکبر معمولاً در وضعیت بدنی فرد بروز می‌کند. به نظر می‌رسد خودمحوری و عدم پذیرش ویژگی‌های فردی دیگران، مانع مهمی برای تفاهم و همکاری در زندگی خانوادگی است. عدم شناسایی فردیت و تلاش‌های بیهوده در جهت یکسان‌سازی آمارانه فضای خانواده، هزینه‌های عاطفی سنگینی بر اعضای آن تحمیل می‌کند که خودبیگانگی اعضا کمترین و فروپاشی خانواده بزرگترین پیامد این نوع رفتار و نگرش است. از این‌رو در متون اسلامی در مورد تکبر و خودمحوری نکوهش‌هایی وارد شده^۲ و حتی گفته شده که اگر ذره‌ای تکبر در وجود فرد باشد، وارد بهشت نمی‌شود.^۳

در روابط عاطفی، عدم توجه به نیازهای یکدیگر به نارضایتی در زندگی و اختلاف می‌انجامد. گاهی روابط عاطفی اعضای خانواده با افراد بیرون خانواده

۱. ستیر، آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده، ص ۶۹ - ۹۰.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲؛ محمدی ری‌شهری، میزان‌الحکمة، ج ۱۱، ص ۵۰۷۶.

۳. «لا یدخل الجنة من فی قلبه مثقال ذرة من کبر» کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۹.

قوی‌تر و با خود اعضای خانواده سرد و منفی است. چنین خانواده‌ای با مشکلات جدی عاطفی روبه‌روست و اعضا، خانواده را محیط مناسبی برای ارضای نیازهای عاطفی خود نمی‌بینند؛ در چنین خانواده‌ای، بی‌اعتنایی، نفرت، وابستگی، حسادت و خودخواهی در روابط بین اعضا، موجب کشمکش‌ها در خانواده است.^۱

- عوامل اجتماعی و فرهنگی

هر خانواده فرهنگ ویژه‌ای دارد که به اموری مانند نگرش خصوصی خانواده در رفتارها، سنت‌ها و شیوه روابط با دیگران، مربوط می‌شود.^۲ زن و شوهر در دو خانواده جدا رشد یافته‌اند که تفاوت‌های فرهنگی، علاقه‌ها و سلیقه‌های گوناگون دارند؛ در نتیجه در روند سازگاری زوجین باید برخی ویژگی‌ها و سلیقه‌ها را پذیرفت و برخی را کنار گذاشت. توجه نداشتن به این امر، اختلاف و ناسازگاری را در پی دارد. نوع تربیت هر خانواده نیز متفاوت است، به‌گونه‌ای که شوخی‌ها و سایر رفتارهای احتمالاً آزردهنده در هر خانواده در محدوده خاصی که با خانواده دیگری متفاوت است، تربیت یا مهار می‌شود و همین نکته می‌تواند موجب اختلاف گردد.^۳

عامل دیگری که در اختلافات خانواده نقشی مهم دارد و با فرهنگ ویژه خانواده‌های اصلی زن و شوهر بی‌ارتباط نیست، دخالت‌های دیگران در تصمیم‌ها و امور زندگی خانواده جدید است. ۲۷٪ از متقاضیان طلاق در ایران، دخالت بی‌جای خویشاوندان و آشنایان را علت تقاضای جدایی دانسته‌اند.^۴ این عامل از نظر فراوانی در رتبه دوم عوامل مؤثر در طلاق قرار دارد و چنان‌که در بحث روابط خویشاوندی بیان شد، از آسیب‌های روابط خویشاوندی به‌شمار می‌رود. البته این روابط می‌تواند حمایت اجتماعی و عاطفی مناسبی را برای افراد، به‌ویژه خانواده‌های نوپا، فراهم کند.

۱. قائمی، نظام حیات خانواده در اسلام، ص ۲۹۴.

۲. عسکری، نقش بهداشت روان در ازدواج، ص ۱۹۶ و ۲۶۱.

۳. همان، ص ۳۶۲ - ۳۶۳.

۴. فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی...، ص ۲۰۸.

زندگی شهری و توسعه صنعت نیز زمینه‌ای برای اختلافات در خانواده است؛ تفاوت این نوع زندگی با زندگی‌های پیشین را به راحتی می‌توان در سرنوشت ازدواج‌ها، ملاحظه کرد.^۱ گسترش روابط اجتماعی، دور شدن از خانواده‌های اصلی و حمایت آنها، مشکلات خانواده هسته‌ای و تفاوت‌های فرهنگی بین زن و مرد، زمینه مناسب برای تحصیلات زنان و موارد دیگر، از آثار توسعه‌های صنعتی جوامع کنونی است. همه این امور می‌تواند زمینه‌ای برای اختلافات در خانواده باشد. مثلاً اختلاف بسیار در سطح تحصیلات زوجین، انتظارات متفاوت را موجب می‌شود و همین امر درك متقابل را دشوارتر می‌سازد.

- عوامل اقتصادی

بخش مهمی از اختلافات خانوادگی به مسائل اقتصادی باز می‌گردد. یک تحقیق در ایران نشان داد از میان متقاضیان طلاق، ۱۲٪ علت درخواست طلاق را مشکل امرار معاش، ۴٪ بی‌کاری و ۱۱٪ ندادن نفقه اعلام کرده‌اند. افزون‌براین، ۶/۴۹٪ اعلام کرده‌اند میزان حقوق آنان در زمان طلاق کفاف زندگی‌شان را نمی‌داده است.^۲ فقر و بیکاری، به ویژه مرد را تحت فشار قرار می‌دهد و عاملی برای تعارض‌ها به شمار می‌رود. در متون اسلامی نیز به تأثیر این مشکل به فشارهای خانوادگی^۳ و آثار ناخوشایند آن در زندگی دنیا و آخرت اشاره شده است.^۴ همچنین ممکن است توقعات مادی زیاد در خانواده، موجب تعارض و اختلاف شود. مرد اگر توان برآوردن خواسته‌های روزافزون اعضای خانواده را نداشته باشد، باتندی به آنها واکنش نشان می‌دهد و زمینه رفتارهای ناسازگارانه را فراهم می‌کند، یا حالت تسلیم و درماندگی را پذیرفته، سر رشته زندگی را از کف می‌دهد که در هر صورت، نظام خانواده با مشکلات و اختلافاتی جدی روبه‌رو خواهد شد. از سوی دیگر، تجمل‌طلبی و غوطه‌ور شدن در مواهب مادی و احساس بی‌نیازی مستانه نیز به رفتارهای برتری‌طلبانه^۵ و

۱. کی نیا، عوامل اجتماعی طلاق، ص ۷ - ۱۷.

۲. فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی...، ص ۲۰۸.

۳. محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۴۶۶۰ - ۴۶۶۲.

۴. منتخب میزان الحکمة، ص ۴۰۸.

۵. «ان الانسن لیطغی أن رءاه استغنی» علق، ۶ و ۷.

ناسازگاری می‌انجامد. گاهی رسیدن ناگهانی يك خانواده به ثروت نیز به عاملی برای خودفراموشی و سرکشی و اختلاف تبدیل می‌شود. توجه زیاد به تجملات و ظواهر زندگی، زمینه‌ای برای دورشدن از روابط انسانی مناسب فراهم کرده و افراد را به از خودبینی‌گرایی گرفتار می‌کند. در این حالت، ارزش‌های اخلاقی و دینی جای خود را به امتیازهای مادی و تجملی می‌دهند. از آنجاکه انسان در این موارد سیری ناپذیر است،^۲ هیچ‌گاه از زندگی و تعامل با دیگران رضایت نخواهد داشت.^۳ سپاس‌گزاری نیز در او کم‌رنگ شده و روابط افراد به سردی و نفرت می‌گراید. مسائل مربوط به اشتغال مرد و زن نیز ممکن است زمینه برخی اختلافات شود. تصدی برخی مشاغل در فرهنگ ویژه خانواده زن یا مرد، ممکن است نامناسب به نظر آید و موجب کشمکش زن و شوهر گردد. اشتغال زنان در بیرون خانه، با توجه به سنگینی مسئولیت‌های آنان به‌ویژه در فرهنگ ما، ممکن است آنان را از ایفای مسئولیت‌های خانوادگی ناتوان کرده و زمینه‌های بروز اختلاف را فراهم آورد. گاهی اشتغال زن، زمینه‌ای برای استقلال و جدایی وی از خانواده می‌شود. مسئله مادران مجرد در برخی کشورها، ناشی از همین استقلال‌طلبی است که به‌نوعی کیان خانواده را به‌خطر انداخته است. همچنین کار بیش از حد - که موجب حضور کمتر در محیط خانواده است - به روابط عاطفی مناسب ضربه می‌زند و موجب اختلاف می‌شود.

تمام این مواردی که شمرده شد، عواملی بود که در زندگی‌های امروزی منجر به اختلافات خانوادگی می‌گردد. اصل ماجرا بلد نبودن چگونه زندگی کردن است و گرنه تفاوت، طبیعت زندگی مشترک است. تمام این تفاوت‌ها نیز طبیعی است؛ پس نباید تبدیل به یک معطل برای اختلاف گردد.

● پرورش احساس: قرآن، کتاب زندگی؛ همسراری را باید آموخت

خداوند متعال قرآن کریم را کتاب زندگی برای انسان‌ها قرار داده است و ما

۱. «المال مادة الشهوات» نهج البلاغه، حکمت ۵۸.

۲. قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «منهومان لا يشبعان: طالب دنیا و طالب علم...» کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶ و «منهوم بالمال...» مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳. همان، کافی، ج ۲، ص ۳۱۶ و ۳۱۷.

انسان‌ها باید درس زندگی را از منبع اصلی خودش یعنی قرآن فرا بگیریم. اگر کسی نگاهش به قرآن نگاه به کتاب زندگی بود، قطعاً فراگیری او هم از قرآن بالا خواهد رفت.

خداوند در قرآن کریم به یک مورد از ارتباطات صحیح در خانواده متذکر می‌شود که اگر تنها به همین یک نکته توجه شود، قطعاً بسیاری از اختلافات خانوادگی برطرف خواهد شد.

خداوند در قرآن کریم در مورد رفتار با زنان می‌فرماید:

«وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» با آنها به شایستگی رفتار کنید.^۱

بنابراین همان‌طور که بیان شد، اگر فقط همین یک نکته در خانواده‌ها رعایت شود، زندگی‌ها گلستان می‌شود.

در این زمینه امیرالمؤمنین، امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«فداروهن علی کل حال و احسنوا لهن المقال». با زن‌ها در همه حال مدارا

کنید و با ایشان خوب سخن بگویید.^۲

اگر خانم خانه از لحاظ عاطفی و محبتی در خانواده تأمین شود، بسیاری از مشکلاتی که در قبل شمرديم حل می‌شود و اصلاً کار به اختلاف نخواهد رسید. همچنین اگر در یک خانواده اقتدار مرد حفظ شود، بسیاری از مشکلات اصلاً به وجود نخواهد آمد. پس دو کلید طلایی برای بهشتی شدن محیط خانه عبارتند از: توجه به عاطفه زن و توجه به اقتدار مرد در خانواده که اگر به این دو اصل توجه شود، محیط خانواده به بهشت تبدیل می‌شود.

● رفتارسازی: سه راه‌کار زندگی بهشتی

اینجا سه راه‌کار بسیار مهم را برمی‌شماریم که با عملیاتی کردن آن، یک زندگی بهشتی برای خانواده شکل می‌گیرد.

برای خدا زندگی کنید و زندگی را میدان مسابقه ببینید

دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم میدان مسابقه‌ای برای آزمایش و

۱. نسا، ۱۹.

۲. الفصول المهمة: ج ۲، ص ۳۳۲.

امتیازدهی به افراد است. هرکس این دنیا را میدان مسابقه دید دیگر جایی ندارد که فرصت‌های طلایی زندگی خود را بسوزاند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ». همانکه مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید و اوست ارجمند آمرزنده.^۱

بنابراین اگر دنیا را محل آزمایش دیدیم همیشه به دنبال یک لحظه می‌گردیم که در میدان مسابقه گل را بزنی که در این صورت بهترین لحظه‌های سرعت در مسیر سعادت در خانه و خانواده پیش می‌آید.

آنجایی که بین همسران درگیری پیش می‌آید و هرکس به فکر تلافی است، آن کسی که به دنبال به دست آوردن نظر خدا باشد اینجا تلافی را کنار می‌گذارد و با صبر و کوتاه آمدن خود را عزیز خداوند می‌کند.

بخشش تا خدا ببخشد

بخشش دومین راهکاری است که زندگی را بهشت می‌کند. اگر فضای یک زندگی به بهشت تبدیل شد، بهترین بستر برای تربیت فرزندان بهشتی است. هرچه محیط زندگی بیشتر بهشتی باشد، بهتر و شاداب‌تر می‌شود. این راهکار یک قاعده است به نام «بخشش تا خدا ببخشد». مولای متقیان امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

«إِرحَمْ تُرحَمْ». رحم کن، تا به تو رحم شود.^۲

بله این یک قاعده الهی است. اگر به‌خاطر خدا ببخشی، خداوند نیز آنجایی که تو نیاز به بخشش داری تو را خواهد بخشید.

در بزنگاهی که نیاز به بخشش خدا داریم، با بخشش در دنیا می‌توانیم بخشش خدا را بخریم. محیط خانواده بهترین جایی است که با بخشش و گذشت می‌توانیم بخشش خدا را بخریم.

۱. ملک، ۲.

۲. الأمالی للصدوق: ۳۰۸/۲۷۸.

- پاسخ بدی با خوبی

سومین راهکار، برگرفته از یک قاعده الهی است که متأسفانه امروزه در جامعه دقیقاً برعکس آن انجام می‌شود.

خدوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ». و نیکی با بدی یکسان نیست. [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن؛ آن‌گاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یک‌دل می‌گردد.^۱

خداوند در این آیه مبارکه می‌فرماید: اگر پاسخ بدی را با خوبی دادی بین تو و آنکه دشمنی با او داشتی یک‌دفعه محبت گرمی صورت می‌گیرد.

همه ما بسیاری وقت‌ها مزه این گذشت و خوبی را دیده‌ایم، ولی برخی عوامل باعث می‌شود به این اصل توجه نکنیم و جواب بدی را با بدی بدهیم.

یکی از این عوامل این است که فکر می‌کنیم اگر جواب بدی را با خوبی بدهیم، کوچک می‌شویم و طرف مقابل پررو می‌شود؛ درحالی‌که هیچ‌کس با بخشش و گذشت و خوبی کردن به دیگران، کوچک نشده است.

بدی را بدی سهل باشد جزا
اگر مردی آحسینِ اِلی منْ اُسا

خدایا به همه ما توفیق کسب مکارم اخلاق عنایت بفرما

۵



زندگی سالمندی من

سالنورگی جمعیت



● خطبه:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
بَارِئِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، بَاعِثِ الْأَنْبِيَاءَ وَ الْمُرْسَلِينَ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا
وَ نَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ وَ اللَّعْنُ الدَائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ
الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»

● انگیزه‌سازی: آمار پیرترین کشورهای جهان

در حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) می‌خوانیم: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَكْثَرُوْا الْوَلَدَ أَكْثَرُ بِكُمْ الْأُمَمَ غَدًا» رسول خدا فرمودند: بر تعداد
فرزندان بیافزایید تا در روز قیامت به فزونی شما بر امت‌ها تفاخر کنم.^۱
در این حدیث پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مستقیم و صریح امر به ازدیاد
فرزندآوری کرده‌اند که دلالت بر مطلوبیت این موضوع و استحباب آن است.
در چند سال اخیر آمار ازدواج در کشور کاهش یافته و به دنبال آن آمار افراد
مسن کشور بالا رفته و به یکی از دغدغه‌های اصلی کشور تبدیل شده است.

۱. وسائل‌الشیعه، حر عاملی، محمدبن حسن، مؤسسه آل‌البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق، چاپ اول، ج ۳۰، ص ۱۴۷؛ رجال نجاشی، همان، ص ۷۷ و ۸۲؛ فهرست کتب‌الشیعه و اصولها، همان، ص ۵۳ و ۶۹.

هرچند مشکل بالا رفتن تعداد افراد مسن تنها به کشور ایران ختم نمی‌شود و در حال حاضر جمعیت بسیاری از کشورها را افراد مسن تشکیل می‌دهند. در حال حاضر ۲۸ درصد از جمعیت کل کشور ژاپن را سالمندان تشکیل می‌دهند. به این ترتیب ژاپن پیرترین کشور جهان به‌شمار می‌آید. پس از ژاپن، ایتالیا با ۲۳ درصد جمعیت سالمند، دومین کشور پیر جهان به‌شمار می‌رود. کشورهای پرتقال، فنلاند و یونان نیز با ۲۲ درصد در جایگاه‌های بعدی پیرترین کشورهای جهان قرار گرفته‌اند.

● اقلان اندیشه: جایگاه فعلی پیری جمعیت ایران، تهدیدی جدی برای پنجاه سال آینده

در حال حاضر شش درصد از کل جمعیت کشور بالای ۶۵ سال دارند و با این درصد، ایران در جایگاه ۱۰۲ و به‌شکل قابل توجهی با کشورهای پیر فاصله دارد؛ اما طبق پیش‌بینی‌های انجام شده متأسفانه اگر آمار موالید کشور در سال‌های پیش رو به حد جایگزینی نرسد، سال ۲۰۵۰ سی درصد از جمعیت ایران بالای ۶۵ سال خواهد بود و ایران به یکی از پیرترین کشورهای جهان تبدیل خواهد شد.^۱

هرگاه در جامعه‌ای حداقل ۷۰ درصد از جمعیت در بازه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال (سنین فعالیت و کار) باشند، به اصطلاح آن جامعه در فرصت پنجره جمعیت تعریف می‌شود. پنجره جمعیت، فرصتی طلایی برای اصلاح ساختارهای جمعیتی و همچنین رشد و پیشرفت علمی و اقتصادی است. حال اگر این فرصت مغتنم شمرده نشود نه تنها یک تهدید خواهد بود، بلکه بعد از عبور از پنجره جمعیت امکان مدیریت و ترمیم ساختارهای جمعیتی و تحقق رشد و توسعه بسیار پایین و قریب به ناممکن می‌گردد. کشورهای توسعه یافته صنعتی زمانی رشد و پیشرفت را تجربه کردند که در پنجره جمعیت بودند و در شرایط کنونی اغلب آنها بعد از عبور از پنجره جمعیت به انواع مشکلات اجتماعی و رکود اقتصادی مبتلی گشته‌اند.

۱. حوزه اخبار داغ گروه فضای مجازی باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر ۷۰۸۹۸۴۹.

ایران اسلامی تا حدود ۱۴۱۵ در فرصت پنجره جمعیت است و از حدود ۱۴ سال آینده با بسته شدن پنجره جمعیت روبه‌رو خواهد شد. گرچه برخی از فعالان فرهنگی این فرصت را بسیار کمتر و در حد ۶ سال تخمین می‌زنند. این درحالی است که متأسفانه درحال حاضر از فرصت بالقوه پنجره جمعیت در مسیر رشد و پیشرفت استفاده نشده و مراحل رشد اقتصادی را طی نکرده است. همچنین با نهایت تأسف به علت سرعت بالای سیر سالمندی در کشور، گذار از فرصت پنجره طلایی جمعیت با سرعت زیادی در حال وقوع است.

به این ترتیب نظام اسلامی ایران به عنوان مهد تمدن نوین اسلامی، برای اصلاح الگوی فرزندآوری، ارتقای ساختار جمعیت پایدار و در ادامه دستیابی به پیشرفت و توسعه همه‌جانبه، کمتر از پانزده سال فرصت و زمان دارد؛ چنانچه این فرصت پایان باید تا سه دهه آینده ایران اسلامی یکی از سه کشور سالمند جهان خواهد بود.

● پرورش احساس: توصیف پیامدهای سالمندی جمعیت در آینده نزدیک ایران از نظر اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، پزشکی، اقتصادی، آموزشی، علمی

در فرازی از دعای افتتاح چنین آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ بَيَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَهُ وَلَيِّنَا (إِمَامِنَا) وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقَلَّةَ عَدَدِنَا». بارالها ما به درگاهت از فقدان پیغمبرمان (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و غیبت اماممان و بسیاری دشمنانمان و کمی عدلمان شکایت می‌کنیم.^۱

مگر کمی جمعیت چه مشکلاتی دارد که معصوم (علیه‌السلام) هم نزد خداوند از آن شکوه می‌کند؟

جمعیت‌های پیر و سالخورده با کاهش جمعیت واقع در سن کار روبه‌رو می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که از یک طرف دولت‌ها با کاهش رشد اقتصادی مواجه شده و از سوی دیگر آنها ناچارند هزینه‌های گزاف و جدیدی برای بیمه‌ها، خدمات و

۱. مفاتیح‌الجنان، دعای افتتاح، ص ۳۳۰.

مراقبت از سالخوردگان بپردازند. موفقیت اقتصادی به اندازه و کیفیت نیروی کار بستگی دارد. با عبور افراد از مرز پنجاه سالگی و بعد از آن، احتمال مشارکت در نیروی کار کاهش می‌یابد.

وجود توان تولید و نبود نیروی کار کافی، سبب می‌شود برای جبران این خلاء، مهاجران جویای کار وارد کشور شوند؛ افرادی از کشورهای مختلف که هرکدام سبک زندگی و فرهنگ مختص کشور خود را دارند و آن را به کشور مقصد منتقل خواهند کرد؛ انتقال فرهنگ و سبک زندگی توسط مهاجران، تغییر فرهنگ به سمت و سویی نامعلوم را به همراه خواهد داشت و باید منتظر آن بود. بحران دیگری که شاید کمتر به چشم آید، ضعیف شدن نیروی دفاعی است. در قرن ۲۱ تصور عامه مردم این است که برای دفاع از مرزهای کشور با وجود تسلیحات پیشرفته نظامی، دیگر نیازی به سربازان پیاده نیست؛ چنین فرضی کاملاً اشتباه است و می‌توان گفت سالخوردگی و قدرت نظامی رابطه عکس تنگاتنگی با یکدیگر دارند.

از طرفی کاهش قدرت نظامی، سوء استفاده‌های سیاسی را نیز به همراه خواهد داشت. از دیگر عرصه‌های مهمی که جوانان نقش ویژه و پررنگی در آن دارند، باید به پیشرفت‌های علمی اشاره کرد. به میزانی که جمعیت جوان کشور کاهش یابد، به همان میزان در این حوزه دچار ضعف خواهیم شد. البته مهم‌تر از بررسی شرایط حال و اشتباهات گذشته، باید نگاهی به آینده داشت.

ضمن اینکه تا چند سال پیش، شش درصد جمعیت سالمند بودند و الان ۱۰ درصد جمعیت سالمند هستند. وقتی جمعیت ما سالمند می‌شود، یعنی باید نظام بهداشت و درمان پنج برابر شود. حال نظام سلامت ما با چه سرعتی باید حرکت کند که این مسئله را پوشش دهد؟

● جلوگیری از کاهش جمعیت جوان مسئله‌ای حیاتی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در یکی از بیاناتشان با اشاره به موضوع سالمندی جمعیت می‌فرمودند: مسئله تکثیر نسل و جلوگیری از کاهش جمعیت جوان کشور، یک مسئله حیاتی است و باید به‌طور جدی دنبال شود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اهمیت فراوان تولید و افزایش نسل خاطرنشان کردند: کثرت جمعیت جوان یکی از امتیازات کشور است و در صورت استمرار سیاست‌ها و اقدامات نادرستی که منجر به تحدید نسل و کاهش شدید جمعیت جوان کشور در طول سال‌های آینده خواهد شد، دچار ضربه بسیار بزرگی بنام «سالمندی عمومی» خواهیم شد.

ایشان افزودند: کشور بدون جمعیت جوان، یعنی کشور بدون ابتکار و پیشرفت و هیجان و شور و شوق. بنابراین، برنامه حیاتی تکثیر نسل باید به‌طور جدی دنبال و پیگیری شود.^۱

رهبر معظم انقلاب اسلامی چند سال پیش نیز در این باره دیدگاه ممتازی ارائه فرمودند: «جمعیت کشور هفتادوپنج میلیون نفر است. البته معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند صدوپنجاه میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیت. هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از صدوپنجاه میلیون انجام بگیرد».^۲

چرا رهبر معظم انقلاب این‌گونه می‌فرمایند؟

با توجه به اینکه کارشناسان هم هشدار داده‌اند، کاهش نرخ جمعیت اگر به فرهنگ پایدار در جامعه تبدیل شود، در آینده دور یا نزدیک مشکلات و تنش‌های جمعیتی ایجاد خواهد کرد و چالش‌های جدی پدید می‌آورد. به‌هرحال ایران سست و تنبل و پیر و فرسوده خواست دشمنان این سرزمین و نظام است و باید سیاست جمعیتی کشور با رویکرد افزایش متناسب و متعادل نرخ رشد جمعیت همراه با آمایش توسعه سرزمین در دستور برنامه و نقشه راه تغییر نرخ رشد باشد.^۳

نرخ رشد بالای جمعیت در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ به‌حدی بالا بود که ساختارهای آموزش و پرورش، کنکور دانشگاهی و بازار کار و مسکن را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد، اما در ادامه و امروزه به نرخ پایین هشداردهنده افزایش جمعیت رسیده‌ایم که از سطح استاندارد هم پایین‌تر است.

۱. دیدار رهبر معظم انقلاب با مسئولان جمعیت مامایی کشور، ۱۳۹۳/۰۲/۱۵.

۲. دیدار رهبر معظم انقلاب با مسئولان نظام، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶.

۳. خبرگزاری صدا و سیما کد خبر: ۲۸۶۲۴۵۰.

چالش اصلی پیامد کاهش جمعیت، به هم خوردن ساختار جمعیتی است و موجب سالمند شدن جمعیت کشور می شود و میزان زاد و ولد از حالت تعادل خارج خواهد شد و به زیر سطح استاندارد می رسد.

کارشناسان معتقدند که در سطح استاندارد باروری باید هر خانواده با ۲ فرزند جایگزین شود؛ این درحالی است که در کشور به سطح زیر استاندارد جانشینی رسیده ایم و در حال حاضر این میزان در کشور ما کمتر از ۱.۷ در هر خانواده است.

براساس وضع کنونی در کشور حدود ۱۰ درصد جمعیت کشور بالای ۶۵ سال هستند و به ازای هر ده خانوار سه نفر سالمند وجود دارد و پیش بینی می شود با همین روند در سال های آینده به ازای هر ده خانوار هفت سالمند وجود داشته باشد.

● رفتارسازی: چه باید کرد؟

سه تفاوت بین ما و اروپا در ماجرای سالمند شدن جمعیت هست که به آنها توجه نمی شود؛ یکم: اروپایی ها طی سیصدسال پیر شدند، یعنی با شیب آرام این اتفاق افتاد که باعث شد جامعه خودش را با آن تطبیق دهد و تا حدودی مشکلاتشان را حل کردند. بااینکه همچنان مشکلاتشان را دارند؛ ولی ما سی ساله پیر شده ایم. به این وضعیت چاله جمعیتی می گویند که من آن را برای خودمان سیاه چاله جمعیتی می دانم. درحال حاضر ما هرچه نگاه می کنیم جوان می بینیم، اما چندسال دیگر هرکه را می بینیم پیر هستند و جوان نداریم که کار کنند.

دوم: اروپایی ها با هم پیر شدند. ولی ما درحالی پیر می شویم که کشورهای اطرافمان جوان می مانند و این از نظر امنیتی بسیار مهم است.

سوم: اروپایی ها ابتدا توسعه یافتند و بعد به سمت پیری رفتند. درحالی که ما زمانی که توان و سرمایه ای نداریم، پیر شده ایم. ازاین رو به این روند ابربحران می گوئیم؛ چون باعث مشکل اقتصادی و امنیتی ما خواهد شد. مشکل ما این است که چون هنوز پیری جمعیت رخ نداده است، آن را جدی نمی گیریم و از کنار

آن می‌گذریم. تفاوت بحران جمعیت با دیگر بحران‌ها در این است که بحران‌های دیگر را می‌توان در درون بحران‌های دیگر حل کرد، ولی اگر در سیاه‌چاله بحران جمعیت بیفتیم حداقل ۱۵۰ سال طول می‌کشد تا از این بحران خارج شویم و در این ۱۵۰ سال اسیر خواهیم شد.^۱

اما می‌شود جلوی این بحران را گرفت. ما شش سال برای جلوگیری از این بحران وقت داریم. متولدین دهه شصت بیست میلیون نفر بودند که الان زمان زاد و ولد آنهاست و با جمعیت دهه هفتادی‌ها دیگر نمی‌توان آن را جبران کرد. براساس آماری که داریم حدود ۱۷ درصد بارداری‌ها بالای سی و پنج سال است. این تأخیر فرزندآوری از چالش‌هایی است که باید مدیریت شود. اوج فرزندآوری بین ۲۵ تا ۲۹ سالگی است. خانمی که فوق‌لیسانس و دکترا دارد، اوج باروری‌اش ۳۰ تا ۳۴ سالگی است. البته که بارداری بعد از ۳۵ سالگی هم ممکن و بلا اشکال است اما فرزندآوری هر چه زودتر بهتر.

اگر سال ۱۴۲۵ را با امروز مقایسه کنیم، سی درصد جمعیت در آن زمان - که جمعیت ۹۵ میلیون نفر می‌شوند - سالمند خواهند بود. درحالی‌که الان با ۸۵ میلیون نفر فقط ۱۰ درصد سالمند داریم.

خدایا ما را در افزایش نسل شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام یاری بفرما
خدایا ما را از خطر سالمندی جمعیت و پیامدهای آن حفظ بفرما

۱. امیرحسین بانکی‌پور نماینده مجلس و رئیس کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت خانواده در جلسه توجیهی قانون جوانی جمعیت با حضور معاونان بهداشت دانشگاه‌های استان تهران و البرز.



می‌خواهم زنه بمانم

سقط و قتل جنین



● خطبه:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بَارِئِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، بَاعِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصومِينَ الْمُكْرَمِينَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ وَاللَّعْنُ الدَائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»

● انگیزه سازی: هولناک ترین قتل، وحشتناک ترین جنایت

قال رسول الله ﷺ: «لَا يَزَالُ قَلْبُ الْعَبْدِ يَقْبَلُ الرَّغْبَةَ وَالرَّهْبَةَ حَتَّى يَسْفِكَ الدَّمَ الْحَرَامَ، فَإِذَا سَفَكَهُ نُكِسَ قَلْبُهُ، صَارَ كَأَنَّهُ كَيْفُ مُخِمٍّ أَسْوَدَ مِنَ الذَّنْبِ، لَا يَعْرِفُ مَعْرُوفًا وَلَا يُنْكِرُ مُنْكَرًا». پیامبر خدا ﷺ دل بنده همیشه پذیرای بیم و امید است تا آنگاه که خونی را به ناحق بریزد. پس چون خون ریخت، دلش واژگون شود و بر اثر گناه، مانند کوره آهن‌گری تفتیده و سیاه شود و دیگر نه کار خوب را خوب داند و نه کار بد را زشت شمارد.^۱

آن‌هایی که سقط جنین را حق والدین می‌دانند، به این سؤال پاسخ دهند که آیا در شریعت اسلام، ما حق کشتن خودمان را داریم؟ اصلاً آیا حق داریم به

۱. میزان الحکمه جلد نهم.

خودمان آسیب برسانیم؟ پاسخ مشخص است؛ خیر. پس، وقتی حتی مجاز به آسیب رساندن به خودمان نیستیم، چطور می‌توانیم نسبت به گرفتن حق حیات از یک انسان دیگر - ولو یک جنین یا حتی یک تک‌سلول - برای خودمان حق قائل باشیم؟

در روایتی نقل شده است:

«عن إسحاق بن عمار: قلت لأبي الحسن عليه السلام: «المرأة تخاف الحبل فتشرب الدواء فتلقى ما في بطنها؟ فقال: لا، فقلت: إنما هو نطفة، قال: إنَّ أوَّلَ ما يُخلَقُ نطفةً». در کتاب من لایحضره الفقیه به نقل از اسحاق بن عمار نقل شده است، به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: زنی از ترس حاملگی، برای سقط جنین دارو می‌خورد. حضرت فرمودند: جایز نیست. عرض کردم: هنوز در مرحله نطفه است. فرمودند: نخستین چیزی که آفریده می‌شود نطفه است.^۱

سقط جنین، حق والدین است یا حق جنین یا حق خدا؟ آیا پدر و مادر به‌صرف اینکه صاحب تصمیم اولیه برای به دنیا آمدن فرزندشان هستند، این حق را دارند که درباره حیات و مرگ او هم تصمیم بگیرند؟ آیا انسانی که حتی مجاز به تصمیم‌گیری درباره جان خود نیست، اجازه دارد درباره حق حیات موجودی دیگر تصمیم بگیرد؟ آیا جنین هم در این زمینه، صاحب حق هست؟ در این میان، تکلیف حق خداوند چه می‌شود؟ او که مژده داده نجات جان یک انسان، مساوی با نجات جان تمام بشریت است، خالق‌ی که به بندگانش نهیب زده فرزندان‌شان را از بیم فقر از حق حیات محروم نکنند، رزاق کریمی که روزی تمام جانداران عالم را ضمانت کرده ...

آیا تا به حال از این زاویه به موضوع حساس سقط جنین نگاه کرده بودید؟ آیا به این موضوع فکر کرده‌اید که «حق» در این میدان سرنوشت‌ساز، متعلق به کیست؟ در مرور این پرسش که سقط جنین، حق والدین است یا جنین یا خداوند، باید بگوییم در ابتدا، حق خداوند است که خالق انسان است. پس با نگاه شرعی و توحیدی، این حق‌الله است. اما حتی اگر از جنبه ماتریالیستی

و مادی هم نگاه کنیم، باز هم سقط جنین، حق والدین نیست. اینکه والدین تصمیم به فرزندآوری می‌گیرند، دلیل نمی‌شود حق حیات و جان آن فرزند هم متعلق به آنها باشد.

دیه سقط جنین در بحث دیات، شاهد این مدعاست. با یک نگاه اجمالی در احکام دیه، می‌بینید که از لحظه بسته شدن نطفه، تا وقتی که روح در کالبد جنین دمیده می‌شود، سقط جنین مشمول دیه است؛ از مرحله دمیدن روح به بعد دیگر دیه انسان کامل به او تعلق می‌گیرد؛ یعنی در دین اسلام و در بحث دیه، فرقی میان انسان ۴۰، ۵۰ ساله کامل و بالغ که احتمالاً یک مسئول مهم یا یک انسان مشهور، محبوب و ثروتمند بوده، با یک با یک نطفه حتی یک روزه در رحم مادر، هیچ تفاوتی وجود ندارد و تصور غلط که برخی فکر می‌کنند تا وقتی روح در جنین دمیده نشده است سقط جنین اشکالی ندارد یا گناه کمتری دارد تصور بسیار غلطی است زیرا بین کشتن یک انسان پنج روزه و پنج ماهه و پنج ساله فرقی نیست قتل نفس محترمه، کشتن یک انسان بی گناه است اتفاقاً هرچه کوچکتر کشتنش دردناک تر "

موضوع دیه، جریمه و اثر ظاهری و مادی سقط جنین است. اما این عمل، اثرات تکوینی و شرعی و روحی و روانی سنگینی هم برای والدین خواهد داشت. متأسفانه درباره این آثار معنوی و روحی و روانی سقط جنین بر والدین در جامعه ما کم گفته شده و در مقابل، موضوع سقط جنین خیلی راحت دارد ترویج می‌شود و درباره آن فرهنگ سازی می‌شود. ما در این مسئله دچار یک جاهلیت مدرن هستیم. اگر امروز ما با تعجب به دوران جاهلیت اعراب نگاه می‌کنیم و با حیرت می‌پرسیم چطور بچه‌هایشان را فقط به جرم دختر بودن، زنده‌زنده در گور می‌کردند؟ چه بسا صد سال بعد، وقتی آیندگان به روزگار ما نگاه می‌کنند و این حجم از سقط جنین در روز و سال را در کشور ما و کل دنیا ببینند، تعجب کنند و بگویند: چطور ممکن است پدر و مادری دست به قتل فرزند خودشان بزنند؟!

● افتناع اندیشه: آمار سقط جنین در جهان و ایران

براساس آمار سازمان بهداشت جهانی WHO، هرساله در جهان ۴۰ تا ۵۰

میلیون سقط جنین اتفاق می‌افتد؛ در ایالات متحده آمریکا، جایی که تقریباً نیمی از بارداری‌ها ناخواسته است و از هر ۱۰ مورد چهار مورد با سقط جنین خاتمه می‌یابد، بیش از سه‌هزار سقط جنین در روز اتفاق می‌افتد. ۲۲ درصد از کل بارداری‌ها در ایالات متحده آمریکا (به‌استثنای سقط جنین) به سقط جنین ختم می‌شود!

این درحالی است که در اروپا، سوگند دانشجویان پزشکی در یونان باستان، آن‌ها را از انجام سقط جنین منع می‌کرده است. متون پزشکی مربوط به طب بقراط نیز، حاوی یادداشت‌هایی مربوط به خطرات ناشی از سقط جنین ناامن است. در مسیحیت، پاپ (۹۰-۱۵۸۵) به‌عنوان نخستین پاپ، اشاره کرده است که سقط جنین بدون در نظر گرفتن این‌که در چه مرحله‌ای از حاملگی باشد، قتل محسوب می‌شود! مخالفت با سقط جنین تا قرن نوزده نیز به‌طور سرسختانه‌ای ادامه داشت.

بااین‌حال در زمان حاضر، سقط جنین در ۵۸ کشور از ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل قانونی است! یکی از دقیق‌ترین راه‌ها برای یافتن میزان سقط جنین، گزارش‌های مربوط به سیاست‌های جهانی سقط جنین است که توسط سازمان ملل ارائه شده است؛ این گزارش‌ها تعداد سقط جنین انجام‌شده در زنان بین ۱۵ تا ۴۴ سال را اندازه‌گیری می‌کند؛ این میزان، تعداد سقط جنین در هر هزار زن در هر کشور را اندازه‌گیری می‌کند.

براساس گزارش worldpopulationreview یکی از کشورهای که بالاترین میزان سقط جنین را دارد، روسیه است؛ طبق گزارش‌های سازمان ملل، میزان سقط جنین در روسیه ۵۳٫۷ است. به‌عبارت دیگر، از هر ۱۰۰ زن بین ۱۵ تا ۴۴ سال، ۵۳٫۷ نفر سقط جنین داشته‌اند. کشور کوبا نیز نرخ سقط جنین بالایی دارد؛ طبق داده‌های سازمان ملل، در سال ۲۰۲۰ میزان سقط جنین در کوبا ۲۴٫۸ بوده است؛ براساس گزارش‌های سازمان ملل، همچنین قزاقستان میزان سقط جنین بالایی دارد. نرخ سقط جنین در این کشور ۳۵ است؛ گرجستان نیز با نرخ ۱۹٫۱ دارای نرخ بالایی است. میزان سقط جنین در رومانی ۲۱٫۳ است. براساس داده‌های سازمان ملل سوئد آخرین کشور با نرخ سقط جنین بیش از ۲۰ است.

در سالیان اخیر و پیرو تغییر نوع نگرش و سبک زندگی خانواده ایرانی، عدم التزام برخی پزشکان به رسالت قانونی و اخلاق حرفه‌ای و همچنین سهل‌الوصول بودن برخی داروهای غیرمجاز، آمار سقط جنین درمانی و جنایی در ایران به‌طور نگران‌کننده‌ای افزایش یافته است که به معنی عدم جامعیت و عدم بازدارندگی قانون و دستورالعمل‌های موجود است.^۱

صالح قاسمی، دبیر مرکز مطالعات جمعیت در ایران سقط جنین را یکی از متغیرهای بسیار تعیین‌کننده در تعداد تولدها عنوان و اعلام کرد: براساس حداقل آمار مورد تأیید وزارت بهداشت و سازمان پزشکی قانونی، سالانه بیش از ۴۰۰ هزار سقط جنین انجام می‌شود. اجرای درست قانون جوانی جمعیت می‌تواند باعث کاهش محسوس آمار سقط جنین شود. طی پنج سال گذشته تعداد مولید با روند کاهشی همراه بوده است.

او بیان کرد: تعداد یک میلیون و ۵۷۰ هزار تولد در سال ۹۴ به یک میلیون و ۱۰۰ هزار تولد در سال ۹۹ رسیده است و در بهار و تابستان سال جاری نیز روند کاهشی تولدها همچنان ادامه دارد.

قاسمی با اشاره به اینکه حدود سه درصد از این سقط‌ها ناشی از روابط خارج از عرف یا به تعبیری غیرمشروع است، اظهار کرد: ۹۶ درصد از این سقط‌ها نیز در نهاد قانونی و شرعی خانواده رخ می‌دهد که حدود ۱۰ درصد از این سقط‌ها به سقط‌های غیر ارادی و مشکلات پزشکی که در مادر اتفاق می‌افتد مربوط می‌شود؛ اما مابقی سقط‌ها، سقط‌های ارادی است که بخشی با مجوز پزشکی قانونی و بخش دیگر بدون مجوز پزشکی قانونی که تحت عنوان سقط جنایی و غیر قانونی از آنها یاد می‌کنیم، رخ می‌دهد.^۲

شاید هریک از ما هم کم‌وبیش زوج‌هایی سراغ داشته باشیم که با توجیه‌ها و استدلال‌های عجیب، هدیه خداوند را پس فرستاده و خودشان را برای سقط جنین راضی می‌کنند. مثلاً برای سقط، استدلال می‌آورند که این بچه، «ناخواسته»

۱. خبرگزاری تسنیم ۱۴ شهریور ۱۳۹۹.

۲. خبرگزاری آنا ۲۰۲۱/۱۲/۴.

است. درحالی‌که ما چیزی به‌نام ناخواسته نداریم. یک‌وقت ما برای فرزنددار شدن اراده و اقدام می‌کنیم؛ گاهی نیز خدا برای فرزنددار شدن ما، اراده می‌کند. آیا باید اراده خداوند را رد کنیم؟

طبق تحقیقاتی که انجام شده، ما ۲ زمان داریم که متأسفانه سقط جنین در آن زیاد اتفاق می‌افتد؛ یکی وقتی زوجین دو فرزند دارند و فرزند سوم در راه است و دیگری در دوران عقد است. در مورد اول، زوج وقتی متوجه می‌شوند فرزند سوم در راه است، چون می‌خواهند ترکیب چهار نفری‌شان به‌هم نخورد، سومین فرزند را که خدا می‌خواهد به آنها هدیه بدهد، به دست خودشان از بین می‌برند.

دومین موقعیت فراوانی سقط جنین، مربوط به دوران عقد است. زن و شوهر از راه شرعی و حلال، صاحب فرزند شده‌اند. حال واقعاً جای سؤال است که چرا باید فرزندشان را بکشند؟ مگر فرزنددار شدن در دوران عقد، چه اشکالی دارد؟ چرا فکر می‌کنند این اتفاق، خیلی آبروریزی است؟ این چه تابویی است که در جامعه ما شکل گرفته است؟! متأسفانه زوج هم به‌راحتی می‌گویند: «چون آبرویمان در خطر است، باید این بچه را سقط کنیم». چرا تصور می‌شود فرزندی که خدا به یک زوج رسمی و شرعی داده، باعث بی‌آبرویی است؟ یا می‌گویند: «هنوز هیچ‌چیزی برای شروع زندگی آماده نکرده‌ایم». از این زوج‌هایی که چنین بهانه‌هایی می‌آورند باید پرسید، چرا تلاش نمی‌کنید و از خانواده و اطرافیان کمک نمی‌گیرید تا زودتر یک زندگی شاداب را شروع کنید؟

موردی سراغ دارم که زوج، مراسم عروسی گرفتند درحالی‌که نوزاد دو-سه، ماهه‌شان هم در مجلس عروسی در بغلشان بود. این کار را بدون هیچ شرم و خجالتی انجام دادند و مردم هم تحسین‌شان کردند. مشکل اینجاست که ما به‌جای دیگران درباره خودمان فکر می‌کنیم و براساس آن، تصمیم هم می‌گیریم! مردم وقتی درستی کار ما را ببینند، نه‌تنها تقبیح نمی‌کنند، بلکه تحسین‌مان هم می‌کنند. می‌گویند: «چقدر اینها باایمان و مقید بودند که فرزندی که خدا در دوران عقد به آنها هدیه داده بود، نگه داشتند».

یکی از اشکالات مبنایی ما این است که برخی زوج‌ها از ترس مسائل مالی، دست به سقط جنین می‌زنند. درحالی‌که خداوند در قرآن در این زمینه به ما هشدار

داده و فرموده است: «و لا تقتلوا اولادکم خشية املاق نحن نرزقهم و اياکم». فرزندان خود را از ترس فقر نکشید. این ما هستیم که آنان و شما را روزی می‌دهیم.^۱ بعضی از ما از آنجاکه می‌ترسیم خودمان فقیر شویم یا فرزندانمان در آینده فقیر شوند، حق حیات را از آنها سلب می‌کنیم. یعنی گاهی فقیر هم نیستیم، اما از ترس اینکه فقیر شویم، دست به سقط جنین می‌زنیم. درحالی‌که خداوند متعال در قرآن به ما اطمینان داده است که: حتی اگر فقیر هم هستید، فرزندانمان را نکشید: «و لا تقتلوا اولادکم من املاق نحن نرزقکم و اياهم»: فرزندانمان را از فقر نکشید. ما شما و آنها را روزی می‌دهیم.^۲

به‌عنوان نمونه، الان موفق‌ترین و ثروتمندترین فوتبالیست جهان کریستیانو رونالدو است. همین شخصیت مشهور و محبوب، در داستان زندگی‌اش بیان شده که والدینش به‌خاطر فقر شدید قصد داشتند او را سقط کنند. پدر و مادر رونالدو آن موقع داشتند این فکر را با محاسبات عادی و جاری این دنیا پیش می‌بردند، اما آیا نظر و فکرشان درست بود؟ الان پدر و مادر رونالدو همه رفاه و ثروت و زندگی و آبرو و احترامی که در جامعه دارند، مدیون همین فرزندی هستند که می‌خواستند او را سقط کنند تا به حساب خودشان آینده‌اش را نجات دهند. نمی‌خواهم بگویم این یک روال است. ممکن است استثنا باشد، ولی به‌هرحال چنین مثالی هم وجود دارد. بنابراین وقتی دانسته‌های ما محدود است و از فردا و آینده خبر نداریم، نمی‌توانیم درباره زندگی یک انسان دیگر تصمیم بگیریم.

● پرورش احساس: هولناک‌ترین قتل، وحشتناک‌ترین جنایت

روایت سقط از زبان جنین: دوستشان داشتم و منتظر بودم آنها را ببینم و صورتم را ببوسند، اما مادری سنگدل و پدری بی‌رحم تکه‌تکه‌ام کردند! نمی‌دانم چرا؟ به من فرصت نفس کشیدن بده مطمئن باش عاشقم خواهی شد بد نیست اینجا به یک ماجرا اشاره کنم. مدتی قبل کلپی در فضای مجازی دست‌به‌دست شد که احتمالاً بسیاری از شما آن را دیده‌اید. کلیپ درباره یکی

۱. اسراء، ۳۱.

۲. انعام، ۱۵۱.

از پزشکان (یا کادر درمان) خارجی بود که قبلاً موافق سقط جنین بود و خودش هم آن را انجام می‌داد؛ ولی حالا به یکی از مخالفان سرسخت این کار تبدیل شده بود. ماجرا از این قرار بود که یک بار درحین انجام فرآیند سقط جنین، انگار خداوند اراده کرده بود او حقیقت این اتفاق را درک کند.

او درحالی‌که با دستگاه ساکشن و از طریق مکش، جنین را از رحم مادرش خارج می‌کرد و هم‌زمان داشت از دستگاه سونوگرافی این فرآیند را نظاره می‌کرد، یکدفعه متوجه تقلای جنین می‌شود که برای زنده ماندن جنب‌وجوش می‌کرد. او وقتی مشاهده کرد که دست و پای جنین با دستگاه ساکشن از بدنش کنده می‌شود، انگار زجر کشیدن جنین و ناله او را احساس می‌کرد. حرکات و حالات آن جنین، این پزشک را به شدت متأثر کرده و تازه آن موقع درک کرده بود جنین‌هایی که سقط می‌شوند، جان دارند و در تمام مراحل سقط برای زنده ماندن تقلا می‌کنند و دست و پا می‌زنند. به همین دلیل، به جمع افرادی که اعتقاد دارند جنین، حق زندگی دارد، ملحق شده بود.

واقعیت این است که سقط جنین، وحشت‌ناک‌ترین جنایت و هولناک‌ترین قتل است؛ زیرا در تمام حوادث جنایی که در جهان اتفاق می‌افتد براساس این‌که چه کسی، چه فردی را کشته و چگونگی قتل، میزان بزرگی جنایت ارزیابی می‌شود. به عنوان مثال میزان دردناکی قتل یک مرد با قتل یک زن و قتل یک پیر زن با قتل یک کودک، یکسان نیست. یا مثلاً اگر فرد قاتل با مقتول هیچ نسبتی نداشته باشد و غریبه باشد، شدت جنایت کوچکتر از وقتی است که یک برادر، خواهر خود را به قتل برساند؛ به‌ویژه اگر با چاقو او را به قتل رسانده باشد. حالا تصور کنید یک مادر، کودک خود را با قطعه‌قطعه کردن اعضا و جوارح او به قتل رسانده باشد؛ آیا هولناک‌تر از این قتل داریم؟ مادر مظهر مهربانی و عطوفت است؛ مهر مادری مصداق والاترین و خالص‌ترین محبت‌هاست. بنابراین اگر مادری دست به چنین قتلی بزند باید بپذیریم که وحشت‌ناک‌ترین جنایت و هولناک‌ترین قتل جهان اتفاق افتاده است و مصداق این روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواهد بود:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لَرَوَالُ الدنیا جمیعاً أهونُ علی الله مِنْ دَمِ سُفْکٍ بغيرِ حَقٍّ».

رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: اگر همه دنیا نابود شود، نزد خدا اهمیتش کمتر از خونی است که به ناحق ریخته شود.^۱

ما مادرانی داریم که آگاهانه دست به سقط جنین خود زده‌اند و بعد، دچار مشکلات عدیده جسمی، ناباروری همیشگی و مشکلات جدی روحی و روانی شده‌اند. مادری که جنین خود را سقط کرده، گاهی عذاب وجدان تا آخر عمر گریبانش را رها نمی‌کند؛ عذاب وجدان ناشی از گرفتن حق حیات از فرزند خودش. بنابراین ایجاد تردید در پدر و مادری که فکر سقط جنین را در ذهن دارند، بزرگ‌ترین کمک است. گاهی همین تردیدها می‌تواند آنها را مجاب کند فرزند خود را حفظ و از یک عمر پشیمانی نجات پیدا کنند.

● رفتارسازی: ظلم به کسی که جز خدا یآوری ندارد، دامن‌گیر است

بی تفاوت نباشیم و کمک کنیم و نگذاریم بی‌گناهی کشته شود. «ماجرا از آنجا نشأت می‌گیرد که نه فقط در ایران ما، بلکه در کل دنیا، سبک زندگی انسان‌ها تحت تأثیر رسانه، دچار دگرگونی اساسی شده است. به این ترتیب که زیر سایه تولیدات رسانه‌هایی که به شدت در حال ترویج فضای اومانستی و انسان‌گرایی یا نفس‌گرایی هستند، لذت، اصل قرار گرفته است؛ یعنی هر چیزی که لذت به همراه داشته باشد، برای انسان، اصل می‌شود و هرچه مخالف آن باشد، توسط انسان کنار گذاشته می‌شود. حالا چرا لذت، اصل می‌شود؟ چون «ما» مهم هستیم. چون با این سبک زندگی، به خودمان اصالت بخشیده‌ایم. در موضوع سقط جنین هم، به لذت و راحتی و خوشایند و وجهه خودمان نگاه می‌کنیم؛ پس خودمان را صاحب حق تشخیص می‌دهیم. ولی این نگاه، با نگاه توحیدی که ما به آن معتقدیم، سازگاری ندارد».

گاهی دیده شده که برخی والدین تصمیم به سقط جنین‌شان گرفته‌اند، چون جنسیت او را دوست ندارند! آن‌ها دختر دوست دارند، اما جنینی که خدا به آنها هدیه داده، پسر است. بنابراین او را سقط می‌کنند تا بعد، برای دختردار شدن،

دوباره اقدام به بچه دار شدن کنند! ببینید انسان چقدر باید خودخواهانه به ماجرا نگاه کند. چقدر باید فقط خودش مهم باشد که با چنین استدلالی، بخواهد جان یک انسان دیگر را بگیرد ...

حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) در روز عاشورا و پس از شهادت همه اصحاب و یاران و در آن موقعیت حساس که لازم است مهم ترین و حساس ترین مطالب بیان شود، آخرین وصیت خود به فرزند برومندشان و در حقیقت آخرین وصیت به شیعیان و بلکه بشریت را چنین بیان می فرمایند:

قال الحسين (علیه السلام): «يَا بُنَيَّ إِيَّاكَ وَ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ». ای فرزندم، از ظلم به کسی که در برابر تو، یاری کننده ای جز خداوند ندارد، بر حذر باش.^۱

روایت نورانی امام حسین (علیه السلام) تنها مربوط به زمان خودشان نیست. این روایت زنده است و همواره مصداق دارد. بنابراین ذهن ما نباید فقط روی ظلمی برود که شمر و عمر سعد و ابن زیاد به اهل بیت (علیهم السلام) روا داشتند، بلکه باید مراقب باشیم خود ما مصداق سخن و هشدار حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) واقع نشویم. هرطور حساب کنید خواهید دید چنین مصداق این کلام حضرت هست. وجودی نازنین و معصوم که جز خدا کسی را برای یاری ندارد.

از طرفی دفاع از جان مسلمان، واجب است و کوتاهی در دفاع از کسی که یآوری ندارد، گناه بزرگی است. علاوه بر این، عقوبت هم دارد. گاهی گرفتاری های دنیوی افراد صالح و شایسته، ناشی از دفاع نکردن آنان از مظلومین است؛ یعنی غیبت یا تهمتی یا ظلمی دیدند و شنیده اند و نتوانسته اند یا نخواستند، دفاع کنند و ناخودآگاه و ناخواسته، ظالم شده اند. یعنی اگر مطلع شدیم فردی از نزدیکان یا آشنایان قصد سقط جنین دارد، حق نداریم بی تفاوت باشیم و وظیفه داریم به هر شکل ممکن جلوی این قتل نفس را بگیریم؛ اگر کوتاهی کنیم چه بسا در خون آن شریک باشیم و دنیا و آخرت گرفتار این کوتاهی شویم.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۳۱: «عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: لَمَّا حَضَرَ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) الْوَفَاةَ صَمَّيْنِي إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ يَا بُنَيَّ أَوْصِيكَ بِمَا أَوْصَانِي بِهِ أَبِي (عليه السلام) حِينَ حَضَرْتُهُ الْوَفَاةَ وَ بِمَا ذَكَرْتُ أَنَّ أَبَاهُ أَوْصَاهُ بِهِ قَالَ يَا بُنَيَّ إِيَّاكَ وَ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ».

بیاید از خدا بخواهیم همه ما را از ظلم به کسی که یاوری جز خدا ندارد
حفظ کند و در حفظ جان بی‌گناهان همه ما را توفیق عنایت فرماید.

V



حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

قانون و فرزندآوری



● خطبه:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بَارِئِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، بَاعِثِ الْأَنْبِيَاءَ وَ الْمُرْسَلِينَ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ الآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»

● انگیزه‌سازی: قانون کودوموتیت ژاپن

ژاپن یکی از پیرترین کشورهای جهان است که نرخ رشد جمعیت آن منفی ۳ درصد است. به گفته کارشناسان اگر این روال ادامه داشته باشد در سال ۳۰۱۱ دیگر در ژاپن کودک زیر ۱۵ سالی وجود ندارد. برای بهبود وضعیت هرم جمعیتی در این کشور، قانونی به نام «کودوموتیت» وضع شد که طبق آن، خانواده‌هایی که فرزند زیر ۱۵ سال دارند، ماهانه تا ۱۳ هزار ین کمک مالی دریافت می‌کنند. همچنین پدر و مادر یک‌به‌یک می‌توانند با دریافت نصف حقوق خود تا سقف تعیین شده به مرخصی بروند. این درحالی است که بعد از آن می‌توانند بدون هیچ نگرانی به کار قبلی خود بازگردند.

● اقناع اندیشه: قوانین کشورهای مختلف جهان برای فرزندآوری بیشتر و مهار کاهش جمعیت

مشکلی که تقریباً نیمی از کشورهای جهان با آن مواجهند، پیری جمعیت

است. این مشکل در صورتی به وجود می‌آید که تعداد نوزادان تازه متولد شده از تعداد افرادی که به سنین پیری می‌رسند، کمتر باشد. این معضل در کنار معضل کاهش جمعیت می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی بین‌المللی به کشورها وارد نماید. در نتیجه، کشورهای مختلف انواع سیاست‌های تشویقی افزایش جمعیت را به کار می‌گیرند تا مردم را به زاد و ولد بیشتر تشویق نمایند.

بیان نمونه‌هایی از این سیاست‌ها و قوانین نشان‌گر اهمیت بالای این موضوع برای همه کشورهای جهان است

روسیه: خانه‌ای برای فرزند سوم

بعد از روی کار آمدن پوتین در کشور روسیه، سیاست‌های تشویقی برای افزایش جمعیت قوت گرفت. خانواده‌هایی که دارای فرزند می‌شوند از پرداخت مالیات تا سقف معینی معاف هستند و مورد حمایت‌های مالی برای تربیت و رشد فرزندشان قرار می‌گیرند.

دولت برای تولد فرزند سوم یک خانه به پدر و مادر نوزاد هدیه می‌دهد. همچنین مادری که دارای بیش از دو فرزند می‌شود، می‌تواند کمک‌هزینه قابل‌توجهی دریافت کند.

استفاده از کودکان رایگان، حمایت مالی به صورت سبد کالا و پرداخت نقدی به خانواده‌ها از دیگر موارد حمایتی است. از طرف دیگر نمایندگان مجلس روسیه تلاش کردند قانونی که توسط «جوزف استالین» مبنی بر جریمه مالیاتی خانواده‌های بدون فرزند تصویب شده بود را اجرایی کنند. براین اساس مردان بدون فرزند ۲۵ تا ۵۰ سال و زنان ۲۰ تا ۴۵ سال باید ۶ درصد درآمد خود را به عنوان مالیات به دولت پرداخت کنند.

فرانسه: تشویق جلدی برای فرزند سوم

مادران فرانسوی در صورت بچه‌دار شدن ۱۶ هفته مرخصی با حقوق و مزایای کامل دارند که از شش هفته پیش از تولد کودکانشان آغاز می‌شود. پس از این دوره والدین می‌توانند به مرخصی سه‌ساله و بدون حقوق بروند و بعد از آن بدون هیچ محدودیتی به شغل قبلی‌شان بازگردند.

در فرانسه خانواده‌ها در صورت داشتن فرزند سوم مبلغ ۱۰۰۰ یورو به شکل بلاعوض دریافت می‌کنند. همچنین دولت تضمین می‌کند که مخارج تحصیل فرزندان خانواده‌ها از پیش دبستانی تا دانشگاه را تأمین کند.

اگر خانواده‌ها به دلیل تولد فرزندشان خدمتکار استخدام کنند، دولت بخشی از این هزینه را می‌پردازد. از دیگر سیاست‌های افزایش جمعیت در کشور فرانسه می‌توان به اختصاص سبد کالا به خانواده‌ها اشاره کرد. دولت فرانسه، برای زنانی که تازه مادر شده‌اند، امکاناتی نظیر ویزیت مجانی دکتر یا برخورداری از خدمات پرستاری در خانه را فراهم می‌کند.

سوئد: کمک هزینه اختصاصی برای کودک

در این کشور مرخصی والدین پانزده ماه است و آنها اجازه دارند بعد از این مدت تا هشت سالگی کودکشان به طور متناوب مرخصی بگیرند و در زمان مرخصی، از ۸۰ درصد حقوق خود، معادل ۴۸۰ روز کاری بهره‌مند شوند. همچنین خانواده‌هایی که بعد از ۳۰ ماه برای فرزند بعدی اقدام می‌کنند، از امکانات ویژه‌ای برخوردار می‌شوند.

یکی از این تسهیلات اجتماعی که دولت سوئد برای کودکان سوئدی قائل است «بارن بیدراگ» یا همان «کمک هزینه کودک» است. این کمک هزینه، مبلغ مشخص و بلاعوضی است که دولت سوئد در ازای هر کودکی که در سوئد متولد می‌شود تا زمانی که کودک به سن ۱۶ سالگی برسد به والدین پرداخت می‌کند. میزان این کمک هزینه ارتباطی با میزان درآمد والدین کودک ندارد و همه اقشار جامعه با هر سطح درآمدی از این تسهیلات دولت سوئد برخوردار هستند.

نروژ: بهشت کودکان و مادران

سیاست‌های این کشور نه فقط در خصوص افزایش جمعیت، بلکه در زمینه حمایت از کودکان تازه متولد شده هم، فوق‌العاده است. تخفیف ساعات کاری به همراه دریافت مزایای شغلی برای والدین و تصویب قوانینی در زمینه ایجاد مراکز رفاهی و حمایتی برای مراقبت روزانه از کودکان، بخشی از این حمایت‌هاست.

در این کشور پس از تولد هر کودک، پدر و مادر دو هفته مرخصی با حقوق دارند. پس از این مدت، آن‌ها می‌توانند بین ۴۶ هفته مرخصی با حقوق کامل یا

۵۶ هفته مرخصی با ۸۰ درصد پرداختی، که باید میان والدین تقسیم شود، یکی را انتخاب کنند. به منظور اطمینان از اینکه پدران حتماً در امر نگهداری و بزرگ کردن کودکانشان مشارکت خواهند داشت، پدران موظف هستند دست کم ۱۰ هفته از این دوران را از محل کار مرخصی بگیرند. جالب این جاست که استفاده از این مرخصی برای وزیران دولت نیز امری غیرعادی تلقی نمی‌شود و بسیار معمول است که وزیران دولتی در سال نخست تولد فرزندشان، چند ماهی در مرخصی باشند.

در ضمن دولت به یکی از والدینی که تصمیم دارند تا دوسالگی کودکشان در خانه بمانند، کمک هزینه ویژه‌ای پرداخت می‌کند. به همه این‌ها مراقبت‌های رایگان از کودک، دارو و درمان رایگان و حق اولاد در فیش حقوقی نیز اضافه می‌شود.^۱

● پرورش احساس: قانون مشوق‌های جوانی جمعیت در ایران

قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت که در جلسه مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۴ کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، طی نامه شماره ۹۳۹۸۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۴ توسط رییس جمهور ابلاغ شد.

این قانون دارای ۷۳ ماده است که شش ماده آن نکات تشویقی قابل توجهی دارد که به طور مختصر عبارتند از:

ماده (۴) دولت مکلف است یک قطعه زمین یا واحد مسکونی حداکثر به میزان (۲۰۰) مترمربع منطبق با ضوابط حد نصاب تفکیک براساس طرح‌های هادی روستایی و شهری یا طرح‌های جامع و تفصیلی شهری مصوب برای ساکنین در روستاها یا شهرهای کمتر از پانصد هزار نفر پس از تولد فرزند سوم بیشتر به صورت مشترک و بالمناصفه به پدر و مادر، در همان محل براساس هزینه آماده‌سازی فقط برای یک بار به صورت فروش اقساطی با دو سال تنفس و هشت سال اقساط اعطا نماید و سند مالکیت، پس از پرداخت آخرین قسط، ظرف حداکثر یک ماه، به مالکین تحویل داده می‌شود.

۱. خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر: ۱۱۳۷۱۴۳.

برای ساکنین شهرهای بالای پانصد هزار نفر، زمین یا واحد مسکونی با شرایط مقرر در این ماده بسته به اعلام ظرفیت توسط دولت مبنی بر وجود زمین یا واحد مسکونی در شهرک‌های اطراف یا شهرهای جدید یا شهرهای مجاور یا زادگاه پدر یا مادر مشروط به این‌که بالاتر از پانصد هزار نفر نباشد، به انتخاب مادر، براساس آیین‌نامه مذکور در تبصره (۳) اختصاص می‌یابد.

ماده (۱۰) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است برای متولین سال ۱۴۰۰ به بعد، از طریق کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از محل پس‌انداز و جاری قرض‌الحسنه نظام بانکی و حذف تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج متقاضیان بالای پنجاه سال سن، نسبت به پرداخت «تسهیلات قرض‌الحسنه تولد فرزند» اقدام نماید.

مبلغ این تسهیلات برای تولد فرزند اول یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال، فرزند دوم دویست میلیون (۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال، برای تولد فرزند سوم سیصد میلیون (۳۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال، فرزند چهارم چهارصد میلیون (۴۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال و فرزند پنجم و بالاتر پانصد میلیون (۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال بدون الزام به سپرده‌گذاری مشمولان با شش ماه دوره تنفس به ترتیب با دوره بازپرداخت سه تا هفت سال و اخذ یک ضامن معتبر و سفته تعیین می‌شود. متقاضیان حداکثر تا دو سال پس از تولد می‌توانند درخواست دریافت وام را ثبت نمایند.

ماده (۱۱) دولت مکلف است به ازای هر فرزند که از ابتدای سال ۱۴۰۰ متولد شود، مبلغ ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا سقف سالانه ده هزار میلیارد (۱۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال صرفاً جهت خرید واحدهای صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس به نام فرزند اختصاص دهد. ساز و کار اجرایی از جمله نحوه خرید و انتخاب صندوق و هزینه‌های مرتبط به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده (۱۲) شرکت‌های خودروساز داخلی مکلفند از زمان ابلاغ این قانون یک خودروی ایرانی به قیمت کارخانه به انتخاب و به نام مادر پس از تولد فرزند دوم به بعد در هر نوبت ثبت نام برای یک مرتبه تحویل دهند.

ماده (۱۳) سازمان هدفمندی یارانه‌ها مکلف است از محل درآمدهای ناشی از

حذف یارانه سه دهک بالای درآمدی نسبت به افزایش یارانه فرزندان خانواده‌های دهک‌های اول تا چهارم دارای حداقل سه فرزند تحت تکفل که هیچ‌کدام از والدین در دستگاه‌های مذکور در ماده (۲۹) قانون پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران شاغل نباشند به میزان سه برابر یارانه مصوب سایرین پرداخت نماید.

ماده ۱۵) کلیه دستگاه‌های مذکور در ماده (۲۹) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مکلفند:

الف- در به‌کارگیری، جذب و استخدام نیروی جدید به ازای تأهل و نیز داشتن هر فرزند یک سال تا حداکثر پنج سال به سقف محدوده سنی اضافه کنند.

ب- در به‌کارگیری، جذب و استخدام به ازای تأهل و نیز هر فرزند دو درصد (۲٪) مجموعاً حداکثر تا ده درصد (۱۰٪) به امتیاز هر فرد اضافه می‌شود.

در این قانون علاوه بر مسکن، اشتغال، وام ارزان قیمت با مهلت زیاد، ثبت نام خارج از نوبت خودرو و یارانه سه برابری، موارد دیگری همچون معافیت‌های مالیاتی (به ازای هر فرزند ۱۵ درصد)، تسهیل‌گری‌های شغلی مادران (مرخصی زایمان ۹ تا ۱۲ ماه، کاهش یک‌ساله سن بازنشستگی به ازای هر فرزند، امکان دورکاری و ...)، جایزه ملی جوانی جمعیت، مهدکودک رایگان برای مادران شاغل و پرداخت ۱۰۰ درصدی حق بیمه فرزندان مادران دارای سه فرزند و بیشتر توسط دولت و ... که تا حدودی می‌تواند دغدغه خانواده‌ها را برای فرزندآوری کاهش دهد.

● رفتارسازی: آیا قانون جوانی جمعیت کافیست؟

به نظر می‌رسد علاوه بر مواردی که در قانون جمعیت ذکر شده است، عوامل مهم دیگری هم در نهاده‌ها شدن فرهنگ فرزندآوری بیشتر نقش دارند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. فرهنگ‌سازی و آموزش زوجین در هنگام ازدواج؛
۲. تسهیل ازدواج به‌هنگام جوانان (اشتغال، مسکن)؛
۳. افزایش امکانات آموزشی و خدمات رفاهی به تناسب تعداد فرزندان؛

۴. ارائه تسهیلات شغلی به خانواده‌های چهار فرزند به بالا برای اشتغال خانوادگی.

و ده‌ها اقدام دیگر که لازم است توسط دولت و مؤسسه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی و جبهه فرهنگی انقلاب انجام شود تا از این بحران و خطر بزرگ عبور کنیم.

مانند اینکه در مسجد، فامیل و... می‌توانند صندوقی را برای حمایت از جوانان فامیل برای ازدواج و فرزند آوری شکل بدهند.

اگر در مسجد قرار است خادم مسجد انتخاب شود که خانه خادم به آن داده شود از جوانان پر فرزند باشد.

تربیت مساجد و هیئت‌ها و گروه‌های جهادی نسبت به موضوع جمعیت حتما سهم مشخصی داشته باشد.

در یک کلام "مردم از دولت مطالبه کنند ولی منتظر اقدامات دولت نباشند"

خدایا ما را به تشخیص وظایف خود و انجام به موقع آنها توفیق عنایت بفرما



فرهنگین

این کتاب، در قالب مجموعه فیش سخنرانی روشمند به دنبال تسهیل دسترسی فعالان فرهنگ و سخنرانان مذهبی به محتوایی جذاب و تاثیر گذار در هفت عنوان محوری هفته جمعیت است که ضرورت دارد نه تنها در این «فرصت طلایی» بلکه در همه سال برای مردم مومن و مسوولیت پذیر ایران اسلامی بیان شود تا از آینده ای تلخ و غیر قابل جبران جلوگیری نماید.



وزارت فرهنگ و امور اسلامی



مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران